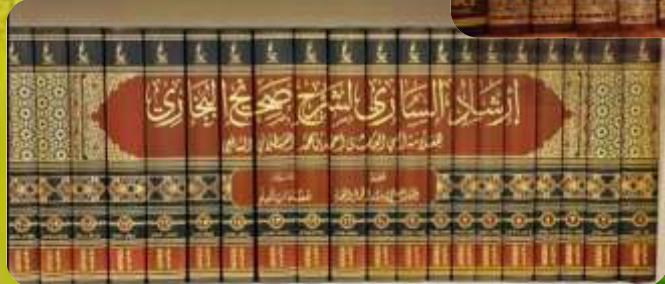
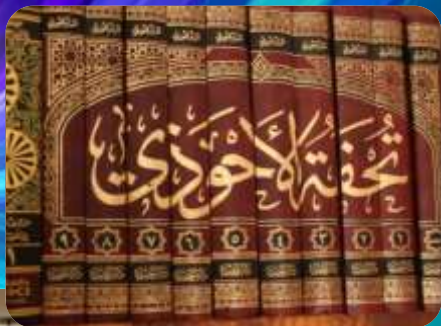


۳۰) حدیث از بخاری و مسلم

در ۳۰ روز رمضان

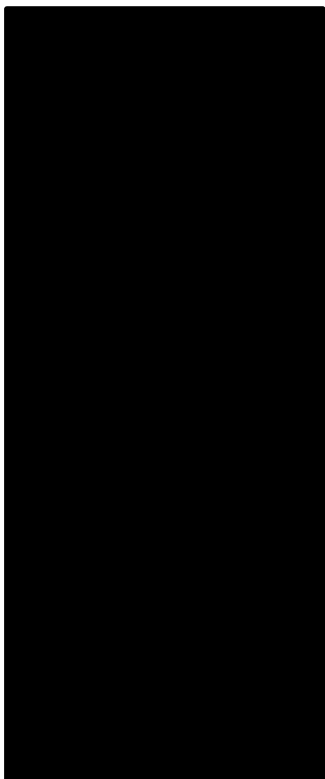
همراه با شرح آنها از مشهورترین شروح حدیث



تألیف: شیخ عبدالقادر عسکری راجزی
بجمع و ترتیب: سائران ذہبی

Ketabton.com





٣٠) حدیث در روز رمضان

همراه با شرح مختصر آنها

مؤلف:

شیخ عبدالقدوس حکیمی رحمه الله

ترتیب و تقدیم:

شاکرالذهبی

چاپ ، نشر و ترجمه‌ی این کتاب در صورتی که از محتوای آن چیزی حذف
نگردد، اجازه است



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

فهرست موضوعات

صفحه

- ۹/..... مقدمه
- ۱۱/..... آشنائی با امام بخاری رحمه الله
- ۱۳/..... معرفی صحیح بخاری
- ۱۶/..... آشنائی با امام مسلم رحمه الله
- ۱۷/..... معرفی صحیح مسلم
- ۱۹/..... روزهی رمضان بقصد حصول اجر و پاداش
- ۲۲/..... به کشیده شدن شیاطین در رمضان
- ۲۴/..... آیا زن می تواند از مال شوهرش انفاق و صدقه نماید؟!.....
- ۲۵/..... قواعدی در خواب دیدن پیامبر صلی الله علیه وسلم
- ۲۷/..... حکم همبستری با همسر در روز رمضان
- ۲۹/..... حکم روزه در سفر
- ۳۰/..... روزهی زنانی که در ماه رمضان دچار عادت ماهوار می شوند
- ۳۱/..... از بهترین مردم
- ۳۲/..... اهمیت دهه اخیر رمضان
- ۳۴/..... قاعدهی در انجام دادن اعمال
- ۳۵/..... وقت سحری و انتهای آن
- ۳۷/..... همکاری با بینوا
- ۳۸/..... تظاهر کننده به آرایش و زینت
- ۴۰/..... جایگاه دو رکعت نماز سنت صبح



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

- ۴۲/..... جواز توریه
- ۴۴/..... گزاریدن دو رکعت نماز سنت قبل از فرض شام
- ۴۵/..... مثال انسان بخشنده و انسان خسیس
- ۴۷/..... نیکویی کردن با همسایه
- ۴۸/..... هفتاد هزار نفری که بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شوند
- ۵۳/..... نماز های سنت و نوافل در منزل ادا شوند
- ۵۵/..... قرآن را با صدای زیبا تلاوت کردن
- ۵۶/..... میت را به سبب گریه های تان تعذیب نکنید
- ۵۸/..... قرآن را بدون توجه به معنی آن نخوانید
- ۶۰/..... وجوب نصیحت و خیرخواهی
- ۶۲/..... نهی از دشنام زدن
- ۶۳/..... تقسیم بندگان الله عزوجل بر دو دسته
- روزى خواهد آمد که می گویند: فلانی عجب انسان عاقل و باظرافت و بردباری می باشد! گر چه این مرد نیز به اندازه ذره ای ایمان در دلش موجود نیست
- ۶۵/.....
- ۶۸/..... شستن بینی (سه بار) پس از بیدار شدن از خواب
- پیامبر - صلی الله علیه وسلم - کارهای جایز را یکبار یا دو بار انجام داده است، تا مردم گمان نکنند که این کارها حرام هستند ولی بر کارهای سنت و واجب دوام داشته است
- ۶۹/.....
- ۷۱/..... پاک بودن منی



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

- ۷۲/..... حرمت سخن چینی و احتیاط نکردن به هنگام ادرار.
- قیودی که شریعت بالای شوهری که همسرش در عادت ماهوار قرار دارد، تعیین نموده است..... ۷۵/
- ۷۷/..... حکم سلام دادن در حالت جنابت.
- ۷۹/..... کراهیت ترک قیام اللیل.
- ۸۱/..... آمادگی کامل برای ادای نماز جمعه.....
- ۸۲/..... اندازه‌ی زکات.....
- ۸۹/..... نوعیت لباس کسی که در احرام است.....
- ۹۱/..... حکم شکار در حالت احرام.....
- ۹۴/..... انواع احرام.....
- ۹۷/..... زن بدون محرم حق هیچگونه مسافرتی را ندارد.....
- ۹۸/..... مردم، مدینه را در بهترین وضعی که دارد، رها خواهند ساخت!!.....
- ۱۰۰/..... تحریم نکاح متعه.....
- ۱۰۱/..... نهی از نکاح شغار.....
- ۱۰۲/..... وفا به شرایطی که از مقتضای نکاح است.....
- زن بیوه باید صراحتاً به ولی خود اجازه نکاح را بدهد ولی دوشیزه که سکوت کرد و مخالفت و گریه نمود نشانه رضایت و اجازه اوست
- ۱۰۲/.....
- ۱۰۴/..... اجابت دعوت ولیمه.....



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

- هر کسی که از نسب و بواسطه خویشاوندی حرام باشد، به واسطه شیر
هم حرام می باشد ۱۰۶/
هیچ ثمری در مقابل ثمر دیگری از جنس خود فروخته نمی شود
مگر در مسئله عرایا ۱۰۸/
حکم اجاره زمین برای زراعت ۱۱۰/
نهی از فروش آب ۱۱۲/
پول دادن در اعمال حرام و ناپسند ۱۱۳/
نهی از نگهداری سگ ۱۱۵/
نهی از حيله، مکر و فریب در خصوص اعمالی که نهی شده اند.. ۱۱۶/
مسئله‌ی شفع ۱۱۸/
سزایی نوشنده‌ی شراب ۱۲۰/
کسانانی که در قبال انجام این اعمال، ضامن نیستند ۱۲۲/
مسئله‌ی شکار با سگ ۱۲۳/
فضیلت اعتکاف ۱۲۶/
قدرت الله عزوجل ۱۲۷/



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَتُوبُ إِلَيْهِ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا. اما بعد:

رمضان ماهی است که در آن باید خود را «وقف عبادت» نمود، بلکه لحظه‌ی از آنرا هدر دادن زینده‌ی مؤمن نیست، باید مؤمن از این ماه مبارک قولاً و عملاً بهره‌بردار بود. ازین رو خواستم برخی از احادیث رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را گلچین نموده، و سپس به ترجمه و شرح آنها پردازم تا مؤمن در رمضان به حفظ، عمل و ابلاغ آنها پردازد، تا باشد بین امور خیر جمع گردد.

احادیث این کتاب را فقط از «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» برگزیده‌ام، و شرح آنها را نیز از شروح [صحیحین (فتح الباری، عمدة القاری، ارشاد الساری، المنهاج (شرح نووی بر مسلم))] و «شرح ریاض الصالحین» و «شرح الوؤلؤ و المرجان» تحریر داشته‌ام.

از پروردگار یکتا الله و خالق بشریت - سبحانه و تعالی - مسألت دارم؛ این کوشش ناچیز مرا در ترازوی حسنات و نیکی‌های این بنده ناچیز و سایر برادران عزیز که در تصحیح و بازنگری آن همکاری نموده اند قرار دهد!



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

از بارگاه رب العزت والجلال برای شما خواننده عزیز و دوستانی که در به
ثمر رسیدن این کتاب نقشی داشته اند، و برای تمامی برادران و خواهران
مسلمان طول عمر و سعادت در دو جهان استدعا دارم.

اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه
أجمعين، والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

آشنائی با امام بخاری رحمه الله

او ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره بن بردزبه^۱ الجعفی است که فارسی الاصل بودند.

ایشان در شوال سال صد و نود و چهار (۱۹۴) هجری قمری در شهر بخارا^۲ متولد شدند، و با یتیمی نزد مادر خود و در حجره ی او نشو نما یافت، سپس در سال ۲۱۰ هجری جهت طلب و جمع آوری حدیث شروع به سفر نمود و به سرزمینهای اسلامی مسافرت کرد، چنانکه شش سال در حجاز اقامت نمود و همچنین وارد شام و مصر و جزیره^۳ و بصره و کوفه و بغداد شد.

امام بخاری رحمه الله حافظه ای بسیار قوی داشتند، چنانکه از ایشان ذکر شده که او به کتابی نگاه می کرد و با یک نظر آنرا حفظ می نمود.^۴ و او شخصی زاهد و پرهیزکار و از حاکمان و سلاطین دور بود، و انسانی شجاع و سخاوتمند بود.

^۱- بردزبه: کلمه ای فارسی و به معنای کشاورز است.

^۲- بخارا اکنون جزو یکی از شهرهای کشور ازبکستان و مرکز استان بخارا است.

^۳- منطقه یا شهری در شمال بین النهرین است.

^۴- مشهور است هنگامی که امام بخاری به بغداد رفت، و آوازه ایشان زبانزد خاص و عام گردیده بود، علما و محدثین بغداد تصمیم گرفتند که حافظه ی امام بخاری را بیازمایند، لذا یک صد حدیث را انتخاب کردند و متن و سند احادیث را وارونه نمودند، یعنی متن هر حدیث را با سند حدیث دیگر جایگزین کردند و برعکس، سپس ده نفر را برگزیدند، و به هر کدام از آنان ده حدیث دادند، آنگاه هر کدام از آنان آن ده حدیث را از اول تا آخرش برای امام بخاری می خواند، و از امام سؤال می کرد، امام بخاری در پاسخ می گفت: این حدیث رانمی شناسم، این گونه یکی پس از دیگری ده احادیثش را به پایان رساند، و امام فقط می گفت: این حدیث را نمی شناسم. افراد نادانی که حاضر بودند، گفتند: او جاهل و ناتوان است، و نمی داند، اما علما و محدثین به یکدیگر نگاه کردند و گفتند که وی متوجه شده است. آنگاه امام بخاری به نفر اول فرمود: حدیث اولی که برابم خواندی صحیحش چنین است، و متن و سند آن را بیان نمود، و اینگونه همه ی احادیثش را تصحیح و اصلاح کرد، سپس به همین ترتیب متن و سند همه ی احادیث به نفر دیگر نیز درست نمود، و اشتباهاتشان را بیان کرد، سرانجام همه ی حضار به قدرت حفظ و ذکاوت شگفت انگیزش اعتراف نمودند. (برای تفصیل این ماجرا به کتاب تاریخ بغداد نوشته ی خطیب بغدادی مراجعه کنید.)



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

علمای زیادی در عصر او و دیگر عصرها، وی را تمجید کردند؛ امام احمد رحمه الله درباره ی ایشان می گوید: «خراسان کسی را بمانند او تحویل نداده است». و ابن خزیمه گوید: «کسی در زیر گستره ای این آسمان، آگاهتر به حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم و حافظتر از محمد بن اسماعیل بخاری وجود ندارد». او شخصی مجتهد در فقه بود و دقت عجیبی در استنباط حدیث داشت، چنانکه عناوین ابواب او در صحیحش بدان شهادت می دهند.^۱

سرانجام ایشان در شب عید فطر سال ۲۵۶ هجری قمری در قصبه ای خَرْتَنگ که در دو فرسخی سمرقند قرار داشت وفات نمودند، و مدت عمر ایشان فقط سیزده روز از شصت و دو سال کمتر بود. بدون شک ایشان علم زیادی را در تألیفاتش به ارث گذاشت، خداوند متعال وی را مورد رحمت خویش قرار فرماید و (بخاطر) آنچه که به اسلام و مسلمانان نفع رساننده پاداش نیکش دهد.^۲

^۱- امام بخاری در تراجم (عناوین) ابواب کتابش استنباطات دقیق و جالب فقهی را ذکر نموده است، و به همین سبب علما گفته اند: «فقه البخاري في تراجم ابوابه»؛ یعنی فقه بخاری در تراجم ابواب کتابش نهفته است. در کنار صحیح بودن تمام احادیث این کتاب، همین امتزاج حدیثی و فقهی که به آن آراسته است، به این کتاب منزلت خاصی را بخشیده است.

^۲- آثار امام بخاری فراوان بودند، از جمله:

- ۱- الجامع الصحیح.
- ۲- کتاب الأدب المفرد.
- ۳- کتاب التاریخ الکبیر عن تراجم رجال السند.
- ۴- کتاب رفع البدین فی الصلوة.
- ۵- کتاب قراءه خلف امام.
- ۶- کتاب بر الوالدین.
- ۷- کتاب التاریخ الأوسط.
- ۸- کتاب التاریخ الصغیر.
- ۹- کتاب خلق أفعال العباد.
- ۱۰- کتاب الضعفاء.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

- ۱۱- کتاب الجامع الكبير.
- ۱۲- کتاب المسند الكبير.
- ۱۳- کتاب التفسیر الكبير.
- ۱۴- کتاب الأشربة.
- ۱۵- کتاب الوحدان.
- ۱۶- کتاب الهبة.
- ۱۷- کتاب الميسوط.
- ۱۸- کتاب علل.
- ۱۹- کتاب الكنى.
- ۲۰- کتاب الفوائد.
- ۲۱- کتاب ثلاثيات البخاری (منظور احاديث متصلی است که تا پیامبر صلی الله علیه وسلم سه راوی وجود دارد).
- ۲۲- کتاب أسامی الصحابة.

شرحهای کتاب الجامع الصحيح:

بعد از کتاب الله، هیچ کتابی به اندازه‌ی صحیح بخاری مورد توجه و اعتنای علما و مؤلفین قرار نگرفته است، و کتاب او را شرح داده اند و در مورد احادیث آن استنباط فقهی نموده و درباره‌ی رجال راویانش و بر تعلیقات و غرایب آن سخن گفته اند، تا جائیکه شروح و تعلیقات بر این کتاب به بیشتر از یکصد و سی شرح رسیده است، و از جمله مشهورترین این شروح عبارتند از:

۱- «فتح الباري شرح صحيح بخاري».
تألیف حافظ علامه شیخ الاسلام أبی الفضل أحمد بن علی بن حجر العسقلانی (متوفی ۸۵۲هـ)، شرح او از جمله بزرگترین و مهمترین شروح کتاب بخاری است که در حدود بیست و پنج سال بر تألیف آن سپری نمود، چنانکه در سال (۸۱۷هـ) شروع به تألیف نمود و در سال (۸۴۲هـ) یعنی ده سال قبل از وفاتش آنرا کامل نمود، و گفته می شود که پس از تکمیل کتاب، ولیمه‌ی بزرگی را داد که در آن حدود پانصد دینار اتفاق نمود.

۲- «عمدة القاري في شرح البخاري».
تألیف علامه بدر الدین محمود بن احمد العینی حنفی (متوفی ۸۵۵هـ)، این کتاب، شرح بزرگی است که مؤلف سخن را در مورد انساب و لغات و اعراب و معانی بیان و استنباط فوائد از احادیث و سوال و جواب بسط داده است.

۳- «ارشاد الساري إلى شرح صحيح البخاري».
تألیف شهاب الدین أحمد بن محمد خطیب قسطلانی القاهری شافعی (متوفی ۹۲۳هـ) است. و این کتاب در حقیقت تلخیص دو شرح ابن حجر و بدرالدین بن العینی است، که از جمله شروح مشهور و متداول است.

۴- «الکواکب الدراری في شرح صحيح البخاري».
تألیف شمس الدین محمد بن یوسف بن علی بن سعید کرمانی (متوفی ۷۸۶هـ) است. این کتاب نیز یکی از شروح جامع و مفید است که مؤلف کلام حافظ ابن حجر و العینی را زیاد نقل کرده است.

۵- شرح امام ناصر الدین علی بن محمد بن المنیر اسکندرانی.

۶- «شرح صحيح البخاري».
تألیف أبی الحسن علی بن خلف بن عبد الملک، مشهور به ابن بطلال قرطبی مالکی (متوفی ۴۴۹هـ)، بیشتر شرح مؤلف بر اساس فقه امام مالک است.

۷- «التوشیح شرح الجامع الصحيح».
که شرح امام جلال الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱هـ) است. امام سیوطی از جمله مؤلفینی بودند که آثار و تألیفات بسیاری داشته اند و ایشان عنایت خاصی را به علم حدیث و درایت و روایت داشتند، و شرح او بمثابة ی تعلیق



معرفی صحیح بخاری

مؤلف یعنی امام بخاری این کتاب را «الجامع الصحیح» نام نهاده^۱ و احادیث آنرا از میان ششصد هزار حدیث استخراج کرده و در اصلاح، پیراستن و بازبینی احادیث و بررسی و پیگیری صحت آنها رنج و زحمت بسیار کشیده است، چنانچه هیچ حدیثی را در آن کتاب قرار نمی داد تا آنکه (ابتدا) وضو می گرفت و دو رکعت نماز می خواند و برای قرار دادن آن در کتاب خویش استخاره می کرد، و حدیثی را در آن قرار نمی داد مگر آنچه که از رسول الله صلی الله علیه و سلم با سندی متصل به صحت رسیده و رجال آن نیز در عدالت و ضبط به توافر رسیده باشد.^۲

و تألیف آنرا در شانزده سال کامل نمود، سپس کتاب خویش را بر امام احمد و یحیی بن معین و علی بن المدینی و غیر آنها عرضه نمود و آنها نیز آنرا پسندیدند و تحسین کردند و بر صحت آن شهادت دادند.^۳

لطیفی بر صحیح بخاریست که در آن الفاظ حدیث را ضبط نموده و احادیث غریب، و اختلاف بین روایات آنرا تفسیر نموده است.

۸- «التلویح فی شرح الجامع الصحیح».

که شرح حافظ علاء الدین مغلطای بن قلیچ ترکی مصری حنفی (متوفی ۷۶۲هـ) است.

شروح زیاد دیگری هستند که در اینجا ذکر نکردیم، و شروح دیگری هستند که به پایان نرسیدند؛ مانند شرح حافظ ابن کثیر و ابن رجب حنبلی (با نام فتح الباری) و امام نووی و غیر آنها.

۱- نام کامل آن چنین است: «الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه و سلم و سننه و آیام»، ولی بیشتر به «الجامع الصحیح» یا «صحیح بخاری» مشهورست.

۲- امام بخاری می گوید: هر حدیثی را که می خواستم در کتابم بنویسم ابتدا غسل می کردم و دو رکعت نماز می خواندم سپس استخاره می کردم، آنگاه بعد از اینکه به صحت آن یقین می کردم، آن را در کتاب «صحیح» ثبت می نمودم. (لمحات فی أصول الحدیث: ص ۱۱۸).

۳- البته بجز در چهار حدیث، که عقیلی در مورد آن می گوید: قول امام بخاری در این چهار حدیث درست است، یعنی این چهار حدیث صحیح هستند. (هدی الساری، ص ۴۸۹).



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

و علما کتاب بخاری را در هر عصری بعنوان قبول پذیرفته اند، چنانکه حافظ ذهبی رحمه الله گوید: صحیح بخاری جزو بزرگترین کتب اسلام است و افضلترین کتابها بعد از کتاب الله تعالی می باشد.^۱

و تعداد احادیث آن چنانکه حافظ ابن حجر رحمه الله آنرا بررسی و بازبینی کرده، با احتساب موارد تکراری (۷۳۹۷) هفت هزار و سی صد و نود و هفت حدیث می باشد، و با حذف احادیث تکراری برابر با (۲۶۰۲) دو هزار و ششصد و دو حدیث خواهد بود.^۲

^۱- امام نووی نیز در مقدمه‌ی شرح خود بر صحیح مسلم (۱۴/۱) می گوید: «علما اتفاق دارند بر اینکه صحیح ترین کتابها بعد از قرآن عزیز، دو صحیح بخاری و مسلم هستند، و امت آن دو را بعنوان قبول تلقی کرده اند، و کتاب بخاری صحیح تر است و فواید آن نیز بیشتر است.» و حافظ ابن صلاح در «صیانة صحیح مسلم» (ص ۸۶) با سند خود از امام الحرمین الجوینی نقل می کند که گفت: «اگر کسی به طلاق زنش سوگند یاد کند که آنچه در دو کتاب بخاری و مسلم هستند که حکم به صحت آن داده اند، جزو فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و سلم است، پس طلاق او واقع نشده و سوگندش نشکسته است، چون علمای اسلام بر صحت احادیث آنها اجماع کرده اند.» و شیخ الاسلام ابن تیمیه می گوید: «در زیر گستره‌ی آسمان، کتابی صحیح تر از بخاری و مسلم بعد از قرآن وجود ندارد.» (مجموع الفتاوی، ۷۴/۱۸).

^۲- علما در مورد تعداد احادیث کتاب بخاری اختلاف دارند؛ ابن صلاح می گوید: عدد احادیث صحیح بخاری با مکرر (۷۲۷۵) هفت هزار و دویست و هفتاد و پنج حدیث است، و با حذف مکررات (۴۰۰۰) چهار هزار حدیث است، و امام نووی در مختصر خود تابع او شده است. «و بر اساس تحقیق حافظ ابن حجر، احادیث موصول متون بخاری بدون تکرار (۲۶۰۲) دو هزار و ششصد و دو حدیث است، و مجموع احادیث بخاری با تکرار بدون احتساب احادیث معلق و متابع؛ (۷۳۹۷) هفت هزار و سیصد و نود و هفت حدیث است، و تعداد احادیث متابع (۳۴۴) سیصد و چهل و چهار حدیث، و تعداد معلقات مرفوع که در جایی دیگر وصل نکرده (۱۵۹) یکصد و پنجاه و نه حدیث می باشد. و مجموع کل احادیث کتاب بخاری با احتساب معلقات و متابعات (۹۰۸۲) نه هزار و هشتاد و دو حدیث است، البته این عدد بدون در نظر گرفتن موقوفات صحابه و مقطوعات تابعین در کتاب بخاری بود.» (مصادر الحدیث و مراجعه؛ سید عبدالماجد الغوری، ج ۱ ص ۲۳).

اما علت اختلاف در شمارش، به داخل نمودن احادیث موقوف و معلقات و شواهد مربوط می شود، و همچنین گاهی بعضی از احادیث دو سند دارند که با رمز (ح) جدا می گردند؛ برخی از شارحین آنرا بعنوان یک حدیث شمارش کرده اند ولی دیگران از جمله حافظ ابن حجر آنرا بعنوان دو حدیث شمارش نموده است.

علت تکرار احادیث: حافظ ابن حجر می گوید: «حافظ ابوالفضل محمد بن طاهر مقدسی گفته: بدان که بخاری رحمه الله یک حدیث را در کتاب خود در چند موضع ذکر کرده و در هر بابی با اسناد دیگری به آن استدلال کرده و به حسن استنباط و غریزه فقهی معنائی که مقتضی باب باشد از آن استخراج نموده و کم اتفاق افتاده که یک حدیث را در دو موضع با یک اسناد و لفظ واحد ذکر کرده باشد، بلکه آن را از طریق دیگری آورده و در نقل هر کدام یک فایده و معنی دیگری را در نظر داشته است.» (مصادر الحدیث و مراجعه؛ سید عبدالماجد الغوری، ج ۱ ص ۲۱).



آشنائی با امام مسلم رحمه الله

او ابو الحسین مسلم بن حجاج بن مسلم قشیری^۱ نیشابوری است که در سال ۲۰۴ هجری قمری در شهر نیشابور متولد شد.^۲ جهت جمع آوری احادیث به سرزمینهای مختلف اسلامی مسافرت نمود و به سوی حجاز و شام و عراق و مصر سفر کرد، هنگامی که امام بخاری وارد نیشابور شد ملازم وی گشت و از علم ایشان سود جست و از ایشان پیروی کرد.

بسیاری از علما از اهل حدیث و غیر آنها ایشان را تمجید کرده اند. و سرانجام در سال ۲۶۱ هجری قمری در سن پنجاه و هفت سالگی در نیشابور وفات یافت. ایشان علم زیادی را در تألیفات خویش بجای گذاشتند، خداوند متعال وی را مورد رحمت خویش قرار فرماید و (بخاطر) آنچه که به اسلام و مسلمانان نفع رسانده پاداش نیکش دهد.^۳

^۱- قشیری منتسب به قشیر بن کعب است که قبیله بزرگی بود.

^۲- برای تاریخ تولد او، سال ۲۰۶ هجری نیز ذکر شده است.

^۳- از جمله آثار مسلم نیشابوری:

- ۱- صحیح مسلم، که در نوع خود بی نظیر و مشهور خاص و عام است. امام نووی در «شروط الأئمة الخمسة» (ص ۱۵۱) می نویسد: «حافظ ابوبکر خطیب بغدادی با اسناد خود مسلم رحمه الله روایت کرده که او گفت: این مسند صحیح را از میان سیصد هزار حدیث مسموعه تصنیف کردم».
- ۲- کتاب المسند الكبير على أسماء الرجال.
- ۳- کتاب الجامع الكبير على الأبواب.
- ۴- کتاب العلل.
- ۵- کتاب أوهام المحدثين.
- ۶- کتاب التميز.
- ۷- کتاب من ليس له إلا راو واحد.
- ۸- کتاب طبقات التابعين.
- ۹- کتاب المخضرمين.
- ۱۰- کتاب الأفراد.
- ۱۱- کتاب الوجدان.
- ۱۲- کتاب الأقران.
- ۱۳- کتاب سؤالات أحمد بن حنبل.
- ۱۴- کتاب الانتفاع باهم السباع.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

معرفی صحیح مسلم

کتاب مشهوری است که امام مسلم بن حجاج نیشابوری رحمه الله آنرا تألیف کرده و در آن کتاب، احادیثی را از رسول الله صلی الله علیه وسلم که نزد او صحیح بوده جمع آوری کرده است. امام نووی رحمه الله می گوید: «مسلم در کتاب خود روشی را در پیش گرفته که در احتیاط و دقت و ورع و شناخت، کامل است، و جز افراد معدودی در طول قرن ها کسی بدان راه نمی یابد».

او احادیث متناسب (و مربوط به یک موضوع) را یکجا جمع می کرد و طرق حدیث و الفاظ آنرا بر اساس ابواب مرتب می نمود، اما از ذکر ترجمه (عناوین ابواب) احادیث خودداری کرده، حال شاید بدلیل ترس از زیاد شدن حجم کتاب خویش بوده باشد یا بدلیل دیگری، در عوض جماعتی از شارحان کتاب او، اقدام به گذاشتن عناوین ابواب بر احادیث کتاب او پرداخته اند و از جمله بهترین آنها شرح امام نووی رحمه الله است.^۱

۱۵- کتاب عمرو بن شعيب.

۱۶- کتاب مشايخ مالک (شامل اسامي شیوخ مالک و سفیان و شعبه است).

۱۷- کتاب مشايخ سيعه.

۱۸- کتاب مشايخ ثوري.

۱۹- کتاب أولاد الصحابه.

۲۰- کتاب تفصيل السنن.

۲۱- کتاب ذکر أوهام المحدثين.

۲۲- کتاب أفراد الشاميين.

۲۳- کتاب المعمر، و غیر اینها.

^۱ از جمله شرحهای انجام شده بر کتاب صحیح مسلم عبارتند از:

۱- «المنهاج في شرح الجامع الصحيح للحسين بن الحجاج».

که شرح امام نووی رحمه الله (متوفی ۶۷۶هـ) بر صحیح مسلم بوده که از مشهورترین کتاب در نوع خود است. امام نووی صحیح مسلم را به باب تقسیم بندی کرده و عناوین آنرا قرار داده است، و موجب شده تا استفاده از صحیح مسلم ساده تر شود و مزایایی دارد که از جملهی آن مزایا سادگی رسیدن به آن است.

۲- «المُعَلِّمُ بفوائد كتاب صحيح مسلم».



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

تعداد احادیث مسلم با احتساب موارد تکراری (۷۲۷۵) هفت هزار و دویست و هفتاد و پنج است و با حذف احادیث تکراری به (۴۰۰۰) چهار هزار حدیث خواهد رسید.^۱



که شرح مازری ابو عبدالله محمد بن علی (متوفی ۵۳۶هـ) است.

۳- «إكمال المعلم في شرح صحيح مسلم».

که شرح قاضی عیاض بن موسیٰ الیحصبی السبئی مالکی (متوفی ۵۴۴هـ) است.

۴- «المفهم لما أشكل من تلخیص كتاب مسلم».

شرح ابی العباس احمد بن عمر بن ابراهیم القرطبی (متوفی ۶۱۱هـ) است.

۵- «إكمال إكمال المعلم».

که شرح الأبی مالکی است، و او ابو عبدالله محمد بن خلیفه (متوفی ۷۲۸هـ) از اهل تونس است، و الأبی منتسب است به «أبة» یکی از قریه های تونس است. او در شرح خود، شرحهای مازری و قاضی عیاض و قرطبی و نووی را جمع کرده است.

۶- «الدبیاج علی صحیح مسلم بن الحجاج».

که شرح امام جلال الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱هـ) است.

۷- شرح شیخ الإسلام زکریا انصاری شافعی (متوفی ۹۲۶هـ).

۸- شرح شیخ علی القاری حنفی (متوفی ۱۰۱۶هـ).

۱- البته گفته شده که احادیث مسلم با احتساب موارد تکراری، (۱۲۰۰۰) دوازده هزار حدیث است. اما استاد محمد فؤاد عبدالباقی احادیث بدون تکرار مسلم را (۳۰۳۳) سه هزار و سی و سه حدیث، و با احتساب تکرار ولی بدون متابعات، (۵۷۷۷) پنج هزار و هفتصد و هفتاد و هفت حدیث شمارش کرده است، و شواهد آن نیز بالغ بر (۱۶۱۸) هزار و ششصد و هیجده حدیث است، بنابراین مجموع احادیث مسلم نزد استاد محمد فؤاد عبدالباقی (۷۳۸۸) حدیث می باشد. (مصادر الحدیث و مراجعه؛ سید عبدالماجد الغوری، ج ۱ ص ۲۶).



حدیث [۱]

روزه‌ی رمضان بقصد حصول اجر و پاداش

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»^۱.

ترجمه: ابو هریره - رضي الله عنه - روایت می کند که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «کسی که ماه رمضان را از روی ایمان و برای حصول اجر و پاداش، روزه بگیرد، گناهان گذشته اش، آمرزیده می شوند».

✍ شرح حدیث:

می فرماید: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا»: یعنی کسی که ماه مبارک رمضان را با ایمان به خداوند و به عباداتی که بر بنده های مؤمنش واجب کرده است روزه بدارد و در این عبادت صیام تنها و تنها امید ثواب را از خداوند داشته و به غیر او در عبادت خود نیستی نداشته باشد که وی را ستایش کنند و یا از ترس سرزنش مردم روزه گرفته باشد. پاداش او آنست «غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» که گناهان گذشته او آمرزیده می شود. مراد گناهان صغیره است و گناهان کبیره نیز اگر از آن ها توبه کند. می فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عِنْدَ كُلِّ فِطْرٍ عِتْقَاءَ وَذَلِكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ» یعنی در شب های ماه مبارک رمضان هرگاه که مؤذن اذان مغرب را می گوید و مسلمانان به روزه گشادن

۱- بخاری (۳۸) بخش ایمان، باب صوم رمضان احتساباً من الإيمان، و مسلم (۷۶۰) بخش صلاة المسافرين، باب الترغيب في قيام رمضان و هو التراويح، از حدیث ابوهریره - رضي الله عنه - روایت کرده اند.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

آغاز می کنند، خداوند مهربان تعدادی از مؤمنان را از آتش جهنم آزاد می کند که از شمار آن ها به جز خودش کسی- آگاهی ندارد. و این بشارتی بزرگ است برای مؤمنین روزه دار. می فرماید: «الصَّيَّامُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ كَجُنَّةِ أَحَدِكُمْ مِنَ الْقِتَالِ»: یعنی روزه سپر است که شما را از آتش دوزخ نگهداری می کند و سپر چیز است که شخص مبارز آن را بر سر یا دیگر اندام ها قرار می دهد تا وی را از گزند شمشیرها و تیرها و دیگر چیزها در جنگ نگهداری کند در بعضی- روایات این عبارت نیز در متن حدیث اضافه شده است. «ما لم یخرقها با الغیبة» تا هنگامی که روزه اش را به واسطه غیبت باطل نکرده باشد.^۱

امام خطابی در «معالم السنن» می نویسند: «إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا یعنی: با نیت و تصمیم قطعی. اینکه با تصدیق و امید به پاداش آن، رمضان را روزه بگیرد؛ با رضایت کامل و بدون هرگونه کراهت و نارضایتی و سستی و تنبلی در روزه گرفتن؛ اینکه روزهای رمضان را طولانی نپندارد اما روزهای آن را به دلیل ثواب و پاداش بزرگ آن غنیمت شمارد». و بغوی می گوید: «(احتساباً) یعنی: به خاطر کسب و طلب رضایت الله و ثواب و پاداش او تعالی. گفته می شوند: «فلان محتسب الأخبار، ویتحسبها» یعنی در طلب اخبار، آنها را پیایی دنبال می کند».

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید: منظور از روزه گرفتن با ایمان اینست که الله تعالی روزه را مشروع و واجب گردانیده، و به آن دستور داده، و با گرفتن آن به وجه کامل؛ راضی می شود.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

ومراد از احتساب، یعنی: روزه گیرنده «روزه را» خاص برای رضایت الله تعالی گرفته، وامید پاداش را نیز از او تعالی دارد.^۱



^۱- جامع المسائل (۱/۱۶۱).



حدیث [۲]

به کشیده شدن شیاطین در رمضان

📖 عن أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَتُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُغْلَقُ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ، وَتُسَلِّتُ الشَّيَاطِينُ^۱.

یعنی: «ابوهریره رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: وقتی ماه رمضان می آید درهای بهشت گشوده می شوند و درهای دوزخ بسته می گردند و شیطانها به زنجیر کشیده خواهند شد.»

📖 شرح حدیث:

قاضی عیاض در بیان معنی این حدیث می گوید: همانگونه که احتمال دارد ظاهر معنی مقصود باشد، و الله متعال در ماه رمضان درهای بهشت را بگشاید و درهای دوزخ را ببندد، و به احترام آن شیاطین را در زنجیر قرار دهد تا آنها را از وسوسه و اذیت مؤمنان باز دارد، احتمال هم دارد که منظور از گشوده شدن درهای بهشت این باشد که در ماه رمضان به واسطه اطاعت و عبادت و تراویح و تلاوت قرآن و آمادگی مؤمنان برای انواع خیر و احسان، و پرهیز از منهیات، رحمت الهی شامل حال مؤمنان می گردد و در رحمت الهی و بهشت به روی نیکوکاران و کسانی که به سوی الله بر می گردند باز است، و درهای دوزخ بر آنان بسته می گردد چون کاری را که

۱- أخرجه البخاري في: ۳۰- كتاب الصّوم: ۵- باب هل يقال رمضان أو شهر رمضان.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

موجب ناخشنودی الله و رفتن به دوزخ باشد انجام نمی دهند، و شیطانها مجالی برای فتنه و فساد و گمراهی مؤمنان نخواهند داشت.^۱

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «هرگاه رمضان فرا رسد، شیاطین به زنجیر کشیده می شوند». ایشان فرموده که شیاطین کشته شده یا مرده اند، بلکه فرموده که آنان به غل و زنجیر کشیده شده اند و آن شیطانی که به زنجیر کشیده شده امکان دارد باز به انسان آزار برساند، اما این آزار کمتر از غیر رمضان است.^۲

حافظ ابن حجر رحمه الله می گوید: در حدیثی که قفل و زنجیر شدن شیطان در رمضان بیان شده، اشاره به این دارد که شخص مکلف عذری ندارد گویا به او گفته شده، شیطان ها از تو دور شدند، دیگر در انجام گناهان و ترک عبادات آنان را بهانه مکن.^۳



^۱- شرح نووی بر مسلم، ج ۷، ص ۱۸۸.

^۲- [مجموع الفتاوی: ۲۴۶/۲۵].

^۳- فتح الباری (۱۱۴/۴).



حدیث [۳]

آیا زن می تواند از مال شوهرش انفاق و صدقه نماید؟!

📖 عن أَبِي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه -، عَنِ النَّبِيِّ - صلى الله عليه وسلم -، قَالَ: إِذَا أَنْفَقَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ كَسْبِ زَوْجِهَا عَنْ غَيْرِ أَمْرِهِ فَلَهُ نِصْفُ أَجْرِهِ»^۱.

یعنی: «ابوهریره رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: وقتی که زنی از مال شوهرش بدون اینکه شوهرش به او گفته باشد چیزی را ببخشد، شوهرش به اندازه زنش مأجور می شود».

📖 شرح حدیث:

این زن و مرد هر دو به اندازه هم اجر و ثواب دارند زن مأجور است چون مال شوهرش را با اجازه ضمنی او در راه الله خرج نموده است و مرد هم دارای اجر است چون برای به دست آوردن این مال زحمت کشیده و این امکان را به زنش داده که جرأت نماید بدون اجازه صریح او مالش را در راه الله ببخشد.^۲



^۱ - أخرجه البخاري في: ۶۷ كتاب النكاح: ۸۴ باب صوم المرأة ياذن زوجها تطوعاً.

^۲ - شرح نووي بر مسلم: ج ۷، ص: ۱۲۲.


حدیث [۴]
قواعدی در خواب دیدن پیامبر صلی الله علیه وسلم

📖 وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَسِيرَانِي فِي الْيَقَظَةِ أَوْ كَأَنَّمَا رَأَى فِي الْيَقَظَةِ لَا يَتِمُّ الشَّيْطَانُ بِي». [متفق عليه] ^(۱)

ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هرکس مرا در خواب ببیند، در بیداری نیز مرا خواهد دید یا گویا مرا در بیداری دیده است؛ شیطان خودش را شبیه من نمی سازد».

شرح حدیث: 

شیطان نمی تواند خودش را شبیه پیامبر صلی الله علیه وسلم بسازد و جرأت چنین کاری را ندارد. از این رو اگرانسان، کسی را در خواب ببیند و در دلش چنین بیاید که پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده است، ویژگی های شخصی را که در خواب دیده، با ویژگی هایی که درباره ی پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است، مقایسه کند؛ اگر مطابقت داشت، پیامبر صلی الله علیه وسلم را در خواب دیده، و گرنه، آن چه دیده، اوهامی از سوی شیطان بوده است. چنان که بسیار پیش می آید که شخصی می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم را در خواب دیدم که چنین و چنان گفت یا این عمل را انجام داد؛ اما با بیان اوصاف و ویژگی های فردی که در خواب دیده است، روشن می گردد که این اوصاف و ویژگی ها، با ویژگی های پیامبر صلی الله علیه وسلم هم خوانی

^(۱) صحیح بخاری، ش: ۶۹۹۳، و صحیح مسلم، ش: (۲۲۶۶، ۲۲۶۷).



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

ندارد؛ یعنی آن فرد، پیامبر ﷺ نبوده است. در چنین مواردی قاطعانه می‌گوییم: کسی که در خواب دیده‌ای، پیامبر ﷺ نبوده است. اما اگر اوصافی که بیان می‌کند، با ویژگی‌های پیامبر ﷺ مطابقت داشت، پس، پیامبر ﷺ را خواب دیده است. باید دانست که امکان ندارد رسول الله ﷺ به خواب کسی بیاید و چیزی بگوید که بر خلاف شریعت اوست؛ یعنی اگر کسی بیاید و بگوید: «پیامبر ﷺ را در خواب دیدم که چنین و چنان گفت»، اگر با شریعت محمدی در تعارض باشد، در دروغ بودنش، جای هیچ شک و تردیدی وجود ندارد و اگر ویژگی‌های شخصی که در خواب این فرد آمده، با ویژگی‌های پیامبر ﷺ مطابقت داشت، چنین نتیجه‌گیری می‌کنیم که این فرد، در ادعایش صادق است که پیامبر ﷺ را در خواب دیده است؛ لذا به سخنانش اهمیت می‌دهیم.




حدیث [۵]
حکم همبستری با همسر در روز رمضان

📖 عن عائِسةَ رضی الله عنها، قَالَتْ: أَنِّي رَجُلُ النَّبِيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي الْمَسْجِدِ، فَقَالَ: احْتَرَقْتُ. قَالَ: «مِمَّ ذَاكَ؟» قَالَ: وَقَعْتُ بِأَمْرَاتِي فِي رَمَضَانَ. قَالَ لَهُ: «تَصَدَّقْ» قَالَ: مَا عِنْدِي شَيْءٌ، فَجَلَسَ. وَأَتَاهُ إِنْسَانٌ يَسُوقُ حِمَارًا، وَمَعَهُ طَعَامٌ (قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ، أَحَدُ رُوَاةِ الْحَدِيثِ: مَا أَدْرِي مَا هُوَ) إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: فَقَالَ: «أَيْنَ الْمُحْتَرِقُ؟» فَقَالَ: هَا أَنَا ذَا. قَالَ: «خُذْ هَذَا فَتَصَدَّقْ بِهِ» قَالَ: عَلَى أَحْوَجَ مِنِّي؟ مَا لِأَهْلِي طَعَامٌ. قَالَ: فَكُلُوهُ»^۱

ترجمه: «عایشه رضی الله عنها می گوید: مردی در مسجد پیش پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: به آتش (دوزخ) سوخته شده ام پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «به خاطر چه سوخته شده ای؟»، گفت: در رمضان با همسرم نزدیکی نموده ام، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: «صدقه بده». گفت چیزی ندارم، آن مرد نشست، در این اثنا یک نفر که افسار الاغش را می کشید پیش پیامبر آمد و مقداری طعام برای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آورد. (عبدالرحمن یکی از راویان حدیث می گوید: نمی دانم نوع این طعام چه بود) پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: «آن شخص سوخته شده کجا است؟» آن مرد جواب داد: من اینجا هستم، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: «این طعام را بگیر، و آن را به عنوان صدقه به

^۱ أخرجه البخاري في: ۸۶ - كتاب الحدود: ۲۶ - باب من أصاب ذنباً دون الحد فأخبر الإمام.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

دیگران ببخش». آن مرد گفت: مگر کسی محتاج تر از من وجود دارد؟! در حالی که بچه هایم غذا ندارند، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: «با بچه های آن را بخورید».

شرح حدیث

کسی که می داند در روز رمضان جماع با همسرش حرام است و عمداً در روز رمضان درحالی که روزه است با همسرش نزدیکی می کند بر او واجب است برده ای را آزاد کند، و اگر نتوانست برده ای را آزاد نماید، واجب است دو ماه پشت سرهم روزه باشد، و در صورت عدم قدرت بر روزه، واجب است شصت نفر مسکین را طعام دهد ولی اگر نمی دانست که نزدیکی با همسر به هنگام روزه رمضان حرام است، و یا فراموش کرده بود که روزه است در چنین حالتی کفاره ندارد و روزه اش هم باطل نمی شود، و باید گفته شود که وجوب کفاره تنها به عهده مرد است و زن ملزم به دادن آن نمی باشد.^۱



^۱ - شرح نووی بر مسلم، ج ۷، ص ۲۲۴.


حدیث [۶]
حکم روزه در سفر

📖 عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي سَفَرٍ، فَرَأَى زِحَامًا وَرَجُلًا قَدْ ظَلَّلَ عَلَيْهِ؛ فَقَالَ: مَا هَذَا فَقَالُوا: صَائِمٌ فَقَالَ: لَيْسَ مِنَ الْبِرِّ الصَّوْمُ فِي السَّفَرِ»^۱.

ترجمه: جابر بن عبد الله رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که در سفر بود دید عده ای بر مردی جمع شده اند و سایه ای برایش درست کرده اند (چون از شدت گرما و تشنگی روزه به کلی ناراحت بود) پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «موضوع چیست؟» گفتند: این مرد روزه است (و ناراحت می باشد). فرمود: «روزه در سفر، جزو عبادت نیست». (یعنی وقتی که ناراحتی به این مرحله برسد چنین روزه ای عبادت نیست).

شرح حدیث:

اکثر علماء عقیده دارند، روزه در سفر برای کسانی که دچار مشقت و ضرر نمی شوند، ثوابش بیشتر و بهتر است، ولی در صورت وجود مشقت و ضرر برای مسافر ترك روزه بهتر است.^۲



^۱ - أخرجه البخاري في: ۳۰ كتاب الصوم: ۳۶ باب قول النبي - صلى الله عليه وسلم - لمن ظلل عليه واشتد الحر ليس من البر الصوم في السفر.

^۲ - شرح نووی بر مسلم، ج ۷، ص ۲۲۹.



حدیث [۷]

روزی زنانی که در ماه رمضان دچار عادت ماهوار می شوند

عن عائشة رضی الله عنها، قَالَتْ: كَانَ يَكُونُ عَلَيَّ الصَّوْمُ مِنْ رَمَضَانَ، فَمَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَقْضِيَ إِلَّا فِي شَعْبَانَ^۱.

یعنی: «عایشه رضی الله عنها می گوید: گاهی روزه رمضان (به واسطه حیض یا مرض یا مسافرت) را نمی توانستم بگیرم، و نمی توانستم آن را قضا کنم جز در ماه شعبان».

شرح حدیث

جمهور علمای سلف و خلف از جمله مجتهدین اربعه عقیده دارند روزه رمضان که بواسطه عذر شرعی مانند حیض و سفر و مرض خورده شود، قضای آن واجب است ولی واجب نیست بلافاصله بعد از رمضان آن را قضا نمود، بلکه شخص تا شعبان آینده فرصت دارد هر وقت که بخواهد آنرا قضا نماید ولی تأخیر قضای آن از شعبان گناه مسحوب است^۲.



۱- أخرجه البخاري في: ۳۰ کتاب الصوم: ۴۰ باب متى يُقضى قضاء رمضان.

۲- شرح نووی بر مسلم، ج ۸، ص ۲۳.



حدیث [۸]

از بهترین مردم

📖 عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ».^۱

ترجمه: عثمان بن عفان - رضی الله عنه - می گوید: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران، یاد بدهد».

📖 شرح حدیث:

شیخ الإسلام ابن تیمیہ رحمہ اللہ گفته است: «رسول الله صلی الله علیه وسلم در این سخن خود: (بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و آن را بیاموزاند)^۲، تعلیم و خوانی و یادگیری معانی [قرآن] را بطور کلی فرموده است، چه بسا یادگیری معانی آن از یادگیری و خوانی آن مهمتر است، و آن [یادگیری معانی] چیزی است که باعث زیاد شدن ایمان می شود، همانگونه که جناب بن عبد الله و عبد الله بن عمر و غیره گفته اند: [اول] ایمان را آموختیم، سپس قرآن را آموختیم و ایمانمان افزایش یافت. [ولی] شما کسانی هستید که اول قرآن را آموختید سپس ایمان را، و به همین دلیل مدتی را در حفظ سوره گذراندید»^۳.



^۱- (بخاری: ۵۰۲۸).


^۲- به روایت عثمان رضی الله عنه، بخاری ۶۶/۹؛ ترمذی ۲۹۰۹؛ ابو داود ۱۴۵۲.

^۳- الفتاوی ۳۰۴/۱۳.



حدیث [۹]

اهمیت دهه اخیر رمضان

 از عایشه رضی الله عنها روایت شده که گفت: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْعَشْرَ شَدَّ مِزْرَهُ وَأَحْيَا لَيْلَهُ وَأَيَّقَطَ أَهْلَهُ»^۱.
ترجمه: هنگامی که دهه آخر رمضان، فرا می رسید، رسول الله صلی الله علیه وسلم کمرش را محکم می بست (از همسران، دوری می گزید) و شب خود را با عبادت، زنده نگه می داشت و خانواده اش را نیز بیدار می کرد.

 شرح حدیث:

در این حدیث به (وَأَحْيَا لَيْلَهُ = شب زنده داری و احیاء کردن) اشاره شده، و شب زنده داری فقط مخصوص نماز خواندن نیست، بلکه شامل تمامی عبادات می شود، چنانکه حافظ ابن حجر در مورد «وَأَحْيَا لَيْلَهُ» گفته: یعنی به وسیله طاعت (الله متعال) شب زنده داری کند.

و امام نووی فرموده: یعنی شب خود را با نماز و غیر نماز سپری کند. و مؤلف کتاب "عون المعبود" گفته: یعنی به وسیله نماز و ذکر و تلاوت قرآن (شبش را احیاء کند).

هر چند شکی نیست که نماز از دیگر عبادات در شب قدر افضلتر است، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «من قام ليلة القدر إيماناً و احتساباً غفرله ما تقدم من ذنبه».

^۱- (بخاری: ۲۰۲۴).



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

یعنی: «هرکس در شب قدر از روی ایمان (به امید ثواب الله) و امید دریافت اجر و پاداش، قیام کند گناهان (صغیره) او بخشوده می شود»^(۱).



^۱- بخاری (۱۹۰۱)، و مسلم (۷۶۰).



حدیث [۱۰]

قاعده‌ی در انجام دادن اعمال

📖 عن عائِثَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا، قَالَتْ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَصُومُ شَهْرًا أَكْثَرَ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ شَعْبَانَ كُلَّهُ، وَكَانَ يَقُولُ: خُذُوا مِنَ الْعَمَلِ مَا تُطِيقُونَ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَمَلُّ حَتَّى تَمَلُّوا وَأَحَبُّ الصَّلَاةِ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مَا دُوِّمَ عَلَيْهِ وَإِنْ قَلَّتْ، وَكَانَ إِذَا صَلَّى صَلَاةً دَاوَمَ عَلَيْهَا»^۱.

✍️ ترجمه و شرح: «عایشه رضی الله عنها می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در هیچ ماهی به اندازه شعبان روزه نمی شد، گاهی اکثر ماه شعبان روزه بود، می گفت: «عبادتِ را که قدرت انجام آن را دارید انجام دهید، همانا الله ثواب عمل شما را قطع نمی کند مگر اینکه شما خسته شوید و از عبادت کوتاهی نمایید». عایشه رضی الله عنها می گوید: محبوب ترین و بهترین نماز به نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نمازی است که نمازگزار بر آن دوام داشته باشد هر چند رکعات آن هم کم باشد و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - هر وقت نماز سنتی را می خواند بر آن دوام می داشت و آنرا ترك نمی کرد».


«کله: کل در این حدیث به معنی اکثر است»^۲.



^۱ - أخرجه البخاري في: ۳۰ كتاب الصوم: ۵۲ باب صوم شعبان.

^۲ - فتح الباری، ج ۴، ص ۱۷۴.


حدیث [۱۱]
وقت سحری و انتهای آن


عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، قَالَ: «لَا يَمْتَنَنَّ أَحَدُكُمْ» أَوْ «أَحَدًا مِنْكُمْ أَذَانُ بِلَالٍ مِنْ سُحُورِهِ، فَإِنَّهُ يُؤَدِّنُ» أَوْ «يُنَادِي بِلَيْلٍ لِيَرْجِعَ قَائِمَكُمْ وَلِيُنَبِّهَ نَائِمَكُمْ، وَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَقُولَ الْفَجْرُ أَوْ الصُّبْحُ». وَقَالَ بِأَصَابِعِهِ وَرَفَعَهَا إِلَى فَوْقِ وَطْأَتِّهِ إِلَى أَسْفَلِ حَتَّى يَقُولَ هَكَذَا»^۱.

ترجمه و شرح حدیث:


«عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: نباید هیچک از شما به خاطر اذان گفتن بلال (در آخر شب) از خوردن سحری دست بکشد، چون وقتی که بلال اذان می گوید، هنوز مقداری از شب باقی است. بلال به این خاطر در شب اذان می گوید تا کسانی که بیدارند و مشغول عبادت هستند، دست از عبادت بکشند (و به استراحت و خوردن سحری بپردازند) و کسانی که خوابیده اند بیدار شوند (و خود را برای نماز صبح و سایر کارهای دیگر آماده سازند) و فجر صادق همان روشنایی و نور عریضی نیست که بالاتر از افق ظاهر می شود، (بلکه این فجر کاذب می باشد که ابتدا در نزدیکی وسط آسمان به صورت گسترده ظاهر می گردد و به طور عمودی به طرف افق پایین می آید، پیامبر

۱- أخرجه البخاري في: ۱۰ - كتاب الأذان: ۱۳ - باب الأذان قبل الفجر.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

- صلی الله علیه وسلم - برای نشان دادن کیفیت طلوع فجر کاذب (انگشتانش را بلند نمود و به وسط آسمان اشاره کرد، آنگاه سر انگشتانش را عمودی به سوی افق پایین کشید. (و فجر کاذب را با دست ترسیم نمود، و فرمود: فجر کاذب به این کیفیت ظاهر می شود، و چون این فجر جزو شب است احکام شرعی مخصوص روزه به آن تعلق نمی گیرد، تا وقتی که فجر صادق ظاهر نگردد شما می توانید خوردن و نوشیدن و سایر کارهای شرعی را که با روزه حرام می گردد انجام دهید، و نشانه فجر صادق هم این است که ابتدا نور عریضی در افق ظاهر می شود و به سرعت در دو جهت راست و چپ به صورت مستطیل و افقی امتداد می یابد، و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برای نشان دادن کیفیت طلوع فجر صادق، ابتدا دو انگشت سبابه و وسطای خود را روی هم قرار داد، و بعداً آنها را به طرف راست و چپ از هم جدا کرد و فجر صادق را ترسیم کرد، و فرمود: تا به این صورت طلوع نکند فجر صادق نیست.^۱



^۱ - اللؤلؤ والمرجان (۳/۸۴).



حدیث [۱۳]

همکاری با بینوا

📖 عن أَبِي مُوسَى - رضي الله عنه - قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صلي الله عليه وسلم -، إِذَا جَاءَهُ السَّائِلُ، أَوْ طَلَبَتْ إِلَيْهِ حَاجَةٌ قَالَ: اشْفَعُوا تَوْجَرُوا، وَيَقْضِي اللَّهُ عَلَي لِسَانِ نَبِيِّهِ - صلي الله عليه وسلم -، مَا شَاءَ.^۱

یعنی: «ابو موسی - رضي الله عنه - می گوید: هر وقت سائلی پیش پیامبر - صلي الله عليه وسلم - می آمد و یا چیزی از او درخواست می شد (به اصحاب) می گفت: برایش خواهش کنید و او را سفارش نمایید تا مأجور شوید، الله خواسته خود را بر زبان پیامبرش تحقق می بخشد».

🖋 شرح حدیث:

ابن حجر عسقلانی در «فتح الباری» می گوید: این حدیث مسلمانان را تشویق می نماید که در کارهای خیر شخصاً شرکت نمایند و یا وسیله و سبب انجام کار خیر باشند. یکی از کارهای خیر خواهش و سفارش نمودن انسانهای ضعیف به انسانهای قدرتمند است، سفارش مگر برای جلوگیری از اجرای حدود شرعی باشد و الاً برای تمام کارهای دیگر مستحب است چون انسان دچار نسیان و اشتباه می شود، اما سفارش برای کسانی که بر فساد اصرار دارند و برای نفع شخصی می خواهند جامعه را به فساد بکشاند جایز نیست.




^۱- أخرجه البخاري في: ۲۴ كتاب الزكاة: ۲۱ باب التحريض على الصدقة والشفاعة فيها.



حدیث [۱۳]

تظاهر کننده به آرایش و زینت

 از عائشه -رضی الله عنها- روایت است که فرمودند: «أَنَّ امْرَأَةً قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقُولُ إِنَّ زَوْجِي أَعْطَانِي مَا لَمْ يَعْطَنِي؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-: الْمَتَشَبِعُ بِمَا لَمْ يَعْطُ كَلَابِسُ ثَوْبِي زُورًا»^۱.

ترجمه: زنی به رسول الله -صلی الله علیه وسلم- گفت: (به زن شوهرم می گویم) که شوهرم به من (این و آن) را داده، در حالیکه در حقیقت چیزی به من نداده، (کنایه از افتخار کردن مقابل زن شوهر)، رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: تظاهر کننده به آنچه به او داده نشده مانند کسی است که لباس دروغین پوشیده.

 شرح حدیث:

حافظ ابن حجر رحمه الله می گوید: تظاهر کننده به آرایش و زینت به آنچه نزد او نیست، مانند زنی است که نزد مردی است، و این مرد زن دیگری دارد، پس این زن نزد زن دیگر ادعا و افتخار می کند من نزد شوهرم چنین و چنان هستم (کنایه از اینکه مرا بیشتر دوست دارد و به من

^۱ - أخرجه أحمد (۳۴۵/۶، رقم ۲۶۹۶۶)، والبخاری (۲۰۰۱/۵، رقم ۴۹۲۱)، ومسلم (۱۶۸۱/۳، رقم ۲۱۳۰)، وأبو داود (۲۹۹/۴، رقم ۴۹۹۷)، وأخرجه أيضًا: الحمیدی (۱۵۲/۱، رقم ۳۱۹)، وإسحاق بن راهويه (۱۳۲/۱، رقم ۲۸)، والسائی فی الكبرى (۲۹۲/۵، رقم ۸۹۲۱)، وابن حبان (۴۸/۱۳، رقم ۵۷۳۸)، والقضاعي (۲۰۴/۱، رقم ۳۰۹)، والطبرانی (۱۲۱/۲۴، رقم ۳۲۴)، والبيهقی (۳۰۷/۷، رقم ۱۴۵۷۱).



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

چیزها می دهد) و نزد او مقام و منزلتی خیلی خوب دارم، می خواهد که زن دیگر را به خشم و غضب بیاورد.

وقول: (کلابس ثوبي الزور): مانند مردی است که لباس زاهدان و پارسایان و پرهیزکاران می پوشد، و به مردم نشان می دهد که از جمله آنهاست، ولی در حقیقت امر چنین نیست.^۱

و امام خطابی می گوید: مقصود از لباس مثل است، و معنای آن این که دروغگو است.



^۱ - فتح الباری شرح صحیح البخاری ۳۱۸-۳۱۷/۹.


حدیث [۱۴]
جایگاه دو رکعت نماز سنت صبح

📖 عن عائشة رضي الله عنها، قَالَتْ: رَكَعَتَانِ لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَدْعُهُمَا سِرًّا وَلَا عَلَانِيَةً؛ رَكَعَتَانِ قَبْلَ صَلَاةِ الصُّبْحِ، وَرَكَعَتَانِ بَعْدَ الْعَصْرِ^۱.

ترجمه: «عایشه رضی الله عنها می گوید: هیچ گاه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - چه آشکارا و چه پنهان دو نماز را ترك نمی کرد، یکی دو رکعت نماز قبل از نماز صبح و دیگری دو رکعت بعد از نماز عصر بود.»

شرح حدیث:

علماء در مورد دو رکعت نماز بعد از نماز عصر اختلاف نظر دارند عده ای با توجه به حدیث ام سلمه و نهی عمر و عبدالله بن عباس آنرا مکروه می دانند و عده ای دیگر با توجه به حدیث عایشه رضی الله عنها معتقد به مندوب بودن آن می باشند، دانشمند و محدث بزرگ جهان اسلام ابن حجر عسقلانی برای توافق و جمع این دو حدیث با هم می فرماید: نهی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و عمر و عبدالله بن عباس مخصوص نمازهای سنتی است که عمداً تا نزدیکی غروب آفتاب به تأخیر می افتد. و اینکه عایشه رضی الله عنها می گوید پیامبر - صلی الله علیه وسلم - هرگز چه به صورت آشکار و چه پنهانی این دو رکعت را ترك نکرده است، یعنی بعد از آمدن جماعت بن عبدالقیس و خواندن دو رکعت سنت بعد از ظهر بعد از نماز

^۱ - أخرجه البخاري في: ۹ كتاب مواقيت الصلاة: ۳۳ باب ما يصلي بعد العصر من الفوائت ونحوها.




۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

عصر دیگر از آن به بعد هرگز این دو رکعت را در منزل ترك نمی کرد، ولی چون در منزل بود عمر و عبدالله بن عباس از آن بی اطلاع بودند.^۱



^۱ - فتح الباری (۲/ ۵۱ و ۵۲).


حدیث [۱۵]
جواز توریه


عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «لَمْ يَكْذِبْ إِبْرَاهِيمُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - إِلَّا ثَلَاثَ كَذَبَاتٍ: ثُنْتَيْنِ مِنْهُنَّ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: قَوْلُهُ ﴿إِنِّي سَقِيمٌ﴾ وَقَوْلُهُ ﴿بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا﴾ وَقَالَ: بَيْنَا هُوَ ذَاتَ يَوْمٍ وَسَارَةٌ؛ إِذْ أَتَى عَلِيَّ جَبَّارٌ مِنَ الْجَبَابِرَةِ، فَقِيلَ لَهُ: إِنَّ هَا هُنَا رَجُلًا مَعَهُ امْرَأَةٌ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ، فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ، فَسَأَلَهُ عَنْهَا، فَقَالَ: مَنْ هَذِهِ؟ قَالَ: أُخْتِي. فَاتَى سَارَةَ... وَذَكَرَ بَاقِيَ الْحَدِيثِ^۱.

ترجمه: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «ابراهيم عليه السلام فقط سه بار، دروغ گفت. دو بار بخاطر خدا. آن جايي که فرمود: ﴿إِنِّي سَقِيمٌ﴾ يعني من مريض هستم. و ديگر آنجا که گفت: ﴿بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا﴾ يعني اين بت بزرگ آنها، اين کار را کرده است. و سوم اينکه روزي، او و ساره از سرزمين يکي از پادشاهان جبار و ستمگر مي گذشتند. مردم به آن پادشاه گفتند: مردی وارد سرزمين ما شده است که زيباترين زن، همراه اوست. پادشاه پيکي به سوي او فرستاد و از او درباره آن زن پرسيد و گفت: اين کيست؟ ابراهيم عليه السلام گفت: خواهر من است. سپس، نزد ساره آمد...

^۱ - (بخاري: ۳۳۵۸، وَأَنْظَرُ حَدِيثِ رَقْمِ ۲۲۱۷)



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

شرح حدیث:

اگر چه در حدیث، لفظ دروغ بکار رفته است اما این سه مورد، توریه هستند. یعنی اینکه متکلم، سخنی بگوید که دو معنی داشته باشد. مخاطب آنرا بر معنی نزدیک، حمل کند و متکلم معنی دور را مد نظر داشته باشد. و توریه یکی از نکات مهم بلاغت بشمار می رود. قابل یادآوری است که فقهاء گفته اند: در بعضی موارد، دروغ گفتن نه تنها جایز است بلکه واجب می باشد.^۱



^۱- در شرح همین حدیث به «عمدة القاری» امام عینی مراجعه کنید.



حدیث [۱۶]

گزاریدن دو رکعت نماز سنت قبل از فرض شام

📖 عن أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كَانَ الْمُؤَذِّنُ إِذَا أَدَانَ، قَامَ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَبْتَدِرُونَ السَّوَارِي حَتَّى يَخْرُجَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَهُمْ كَذَلِكَ يُصَلُّونَ الرَّكَعَتَيْنِ قَبْلَ الْمَغْرِبِ، وَلَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ شَيْءٌ.^۱

ترجمه: «انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: وقتی که مؤذن اذان (مغرب) را شروع می کرد جماعتی از اصحاب بلند می شدند و به عجله به سوی دیوارهای مسجد می رفتند و شروع به خواندن دو رکعت نماز می کردند، وقتی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از منزل به داخل مسجد می آمد آنان در حال خواندن دو رکعت نماز قبل از مغرب بودند و فاصله زیادی بین اذان و اقامه مغرب وجود نداشت.»

📖 شرح حدیث:


یعنی همینکه مؤذن شروع به اذان گفتن می کرد اصحاب شروع به خواندن دو رکعت نماز سنت می کردند وقتی که اذان تمام می شد نماز ایشان هم تمام می شد و فاصله زیادی بین اذان و اقامه وجود نداشت.^۲



^۱ - أخرجه البخاري في: ۱۰ كتاب الأذان: ۱۴ باب كم بين الأذان والإقامة.

^۲ - فتح الباری: (۸۱/۲).


حدیث [۱۷]
مثال انسان بخشنده و انسان خسیس


عن أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: ضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مَثَلَ الْبَخِيلِ وَالْمُتَّصِدِّقِ كَمَثَلِ رَجُلَيْنِ عَلَيْهِمَا جُبَّتَانِ مِنْ حَدِيدٍ، قَدْ اضْطُرَّتْ أَيْدِيهِمَا إِلَى تُدْيِهِمَا وَتَرَاقِيهِمَا؛ فَجَعَلَ الْمُتَّصِدِّقُ كُلَّمَا تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ انْبَسَطَتْ عَنْهُ حَتَّى تَغْشَى أَنَامِلَهُ، وَتَعْفُوَ أَثَرَهُ؛ وَجَعَلَ الْبَخِيلُ كُلَّمَا هَمَّ بِصَدَقَةٍ قَلَصَتْ، وَأَخَذَتْ كُلُّ حَلْقَةٍ بِمَكَانِهَا.
قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: فَأَنَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، يَقُولُ بِإِصْبَعِهِ هَكَذَا فِي جَيْبِهِ، فَلَوْ رَأَيْتَهُ يُوسِّعُهَا وَلَا تَتَوَسَّعُ»^۱.

ترجمه: «ابوهریره رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - انسان بخشنده و سخی و انسان خسیس و بخیل را به دو نفری تشبیه نمود که هر کدام یک زره آهنی به تن داشته باشند و این زره ها بر روی سینه و گردنشان جمع شده و دست آنان را از حرکت بازداشته است، انسان سخی هر وقت چیزی را می بخشد زره تنگ فشاردهنده برایش گشاده و بلند می شود تا جایی که انگشتهای پایش را هم می پوشاند و بر زمین قرار می گیرد و آثار قدمش را بر روی زمین از بین می برد. اما انسان خسیس هرگاه بخواهد صدقه و احسانی را انجام دهد زره بر تنش تنگ و چسبنده تر می شود و هر حلقه از آن محکم تر در جای خود قرار می گیرد و دستهایش بیشتر به گردنش می چسبند.

^۱ - أخرجه البخاري في: ۷۷ كتاب اللباس: ۹ باب جيب القميص من عند الصدر وغيره.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

ابوهریره گوید: در این اثنا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را دیدم (به منظور نشان دادن و تجسم این حالت) انگشتش را در جیبش فرو کرده بود و می خواست آن را گشاد کند ولی چون در اصل تنگ بود گشاد نمی شد»، (یعنی انسان بخیل به واسطه حرص و جوش درونی که دارد نمی تواند به تکلف خود را آرام و راحت نماید).

شرح حدیث:

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - انسان سخی و بخشنده را به کسی - تشبیه نموده است که زره محکم و گشادی را پوشیده که تمام بدن او را فرا گرفته و آن را از آسیب دشمن محفوظ می دارد، و انسان خسیس را هم به شخصی تشبیه نموده که زره تنگی به تن دارد که روی سینه و گردنش جمع شده و دستهایش را محکم بسته است، و دارد او را خفه می کند.

الله به انسان سخی وسعت درون بخشیده که هرگز از بخشش کوتاهی نمی کند، به عکس آن، انسان بخیل به اندازه ای دلتنگ است که هرگاه بخواهد چیزی را ببخشد دستهایش خشک می گردد. سرانجام الله انسان بخشنده را در دنیا و قیامت محفوظ و آبرومند نگه می دارد و انسان خسیس را در دنیا و قیامت بدبخت و بی ارزش می نماید.^۱



^۱ - فتح الباری: (۳ / ۲۳۸).



حدیث [۱۸]

نیکویی کردن با همسایه

📖 عن عائسة - رضي الله عنها - عن النبي - صلى الله عليه وسلم - قال: ما زال يوصيني جبريل بالجار حتى ظننت أنه سيورثه.^۱

ترجمه: «عایشه - رضي الله عنها - می گوید: پیامبر - صلى الله عليه وسلم - گفت: جبرئیل همیشه توصیه و سفارش همسایه را به من می کرد تا جایی که تصور می کردم که الله همسایه را جزو وارثین همسایه قرار می دهد.»

📖 شرح حدیث:

بر انسان لازم است نسبت به همسایه خود، خواه مسلمان یا کافر، عابد یا فاسق، دوست یا دشمن، فامیل یا بیگانه باشد حقّ هسمايگی را رعایت نماید، و با صداقت و امانت و روی خوش و دلی پاک با او رفتار کند.^۲



^۱ - فتح الباري: (۳ / ۲۳۸).

^۲ - اللؤلؤ والمرجان: (۷۱۲).


حدیث [۱۹]

هفتاد هزار نفری که بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شوند

📖 عن ابن عباس رضي الله عنهما قال: خَرَجَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَوْمًا فَقَالَ عُرِضَتْ عَلَيَّ الْأُمَمُ فَجَعَلَ يَمُرُّ النَّبِيُّ مَعَهُ الرَّجُلُ، وَالنَّبِيُّ مَعَهُ الرَّجُلَانِ، وَالنَّبِيُّ مَعَهُ الرَّهْطُ، وَالنَّبِيُّ لَيْسَ مَعَهُ أَحَدٌ، وَرَأَيْتُ سَوَادًا كَثِيرًا سَدَّ الْأَفْقَ، فَرَجَوْتُ أَنْ تَكُونَ أُمَّتِي، فَقِيلَ هَذَا مُوسَى وَقَوْمُهُ؛ ثُمَّ قِيلَ لِي انظُرْ، فَرَأَيْتُ سَوَادًا كَثِيرًا سَدَّ الْأَفْقَ، فَقِيلَ لِي انظُرْ هَكَذَا وَهَكَذَا، فَرَأَيْتُ سَوَادًا كَثِيرًا سَدَّ الْأَفْقَ، فَقِيلَ هَؤُلَاءِ أُمَّتُكَ، وَمَعَ هَؤُلَاءِ سَبْعُونَ أَلْفًا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بَعِيرٍ حِسَابٍ فَتَفَرَّقَ النَّاسُ وَلَمْ يُبَيِّنْ لَهُمْ؛ فَتَذَاكَرَ أَصْحَابُ النَّبِيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، فَقَالُوا: أَمَا نَحْنُ فَوَلَدْنَا فِي الشَّرْكِ، وَلَكِنَّا آمَنَّا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَلَكِنَّ هَؤُلَاءِ هُمْ أَبْنَاؤُنَا فَبَلَغَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، فَقَالَ: هُمُ الَّذِينَ لَا يَتَطَيَّرُونَ وَلَا يَسْتَرْقُونَ وَلَا يَكْتُوبُونَ وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ فَقَامَ عُكَّاشَةُ بْنُ مِحْصَنٍ، فَقَالَ أَمِنَهُمْ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: نَعَمْ فَقَامَ آخَرُ فَقَالَ: أَمِنَهُمْ أَنَا فَقَالَ: سَبَقَكَ بِهَا عُكَّاشَةُ^۱.

ترجمه: «ابن عباس رضي الله عنهما می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روزی به میان ما آمد، و فرمود: (قیامت در برابر چشمانم ظاهر گردید و) تمام ملتها به من نشان داده شدند، پیامبری را دیدم که تنها یک نفر با او بود و پیامبری دیگری هم دو نفر همراه داشت و پیامبری هم

^۱ - أخرجه البخاري في: ٧٦ كتاب الطب: ٤٢ باب من لم يرق.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

جماعتی کمتر از ده نفر با او بود و پیامبری هم کسی با او همراه نبود، جماعت فراوانی را دیدم که فضا را پر کرده بودند، آرزو نمودم که این جماعت فراوان امت من باشند ولی گفته شد که این موسی و قوم او است، سپس گفته شد نگاه کنید، (نگاه کردم) جماعت خیلی زیادی را دیدم که فضا را پر کرده بودند، باز به من گفته شد آنجا را نگاه کن جماعت عظیم دیگری را دیدم که همه جا را پوشانده بودند گفته شد: این امت تو است و هفتاد هزار نفر در میان آنان بدون سؤال و حساب داخل بهشت می شوند.

(بعد از این سخنان پیامبری - صلی الله علیه وسلم - مردم متفرق شدند و پیامبری هم برای آنها مشخص نکرد که این هفتاد هزار نفر چه کسانی هستند، مردم با هم به بحث و گفتگو پرداختند، گفتند: (ما جزو این هفتاد هزار نفر نیستیم) چون ما در زمان شرك به دنیا آمده ایم و بعد از شرك به الله و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ایمان آورده ایم، اما این دسته اولادهای ما هستند (که از اول الله پرست بوده اند و به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ایمان آورده اند) این گفته های مردم به پیامبر رسید، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: این هفتاد هزار نفر کسانی هستند که به منحوس بودن و بدشگون بودن اشیاء معتقد نیستند، و با خواندن افسون مریض را معالجه نمی کنند، و از روی اعتقاد شدید به تأثیر داغ، اعضای خود را داغ نمی کنند، و بر پروردگار خودشان توکل بسته اند، عکاشه بن محصن بلند شد گفت: ای رسول الله! آیا من جزو این جماعتم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: بلی، يك نفر دیگر بلند شد گفت: آیا من هم جزو این جماعتم؟ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: عکاشه (در این امر) از تو سبقت گرفت.»



شرح حدیث:

علماء اتفاق دارند که تطیر و منحوس دانستن اشیاء حرام است. تطیر: به معنی به پرواز درآوردن پرنده است، در زمان جاهلیت کسی که می خواست کاری را انجام دهد یا ندهد و یا می خواست بداند این کار مفید است یا مضر، برای اتخاذ تصمیم قطعی در این مورد پرنده ای را به پرواز در می آورد اگر پرنده به طرف راست پرواز می کرد تصمیم به انجام آن می گرفت و آن کار را خیر می دانست و اگر به طرف چپ پرواز می کرد، از کار مورد نظرش پشیمان می شد و آنرا منحوس می دانست، شریعت اسلام به طور قطعی از این عمل جاهلیت ابراز انزجار نموده و آنرا حرام کرده است، هیچکس حق ندارد بدون دلیلی از طرف الله و پیامبر، چیزی را منحوس و بد یمن بداند، کسانی که به خاطر یکبار عطسه کردن از کاری منصرف می شوند و اگر عطسه دو دفعه باشد آنرا انجام می دهند و یا کسانی که دیدن حیوانی را منحوس و حیوان دیگری را خوش یمن می دانند و یا زمان و مکان خاصی را بد یمن و زمان و مکان دیگری را خوب می دانند، عقیده ایشان غیر اسلامی است و از خرافات باقی مانده دوران جاهلیت است و حرام و مخالف با دستور پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می باشد، لازم است هرچه زودتر از این خرافات دوری کنند و با قلبی آکنده از پشیمانی به سوی الله توبه کنند و نفع و زیان را تنها از الله توانا بدانند).

در مورد افسون خوانی به نام دعا: مسلماً (رقیه) و چیزهایی که در دوران جاهلیت به اسم بتها برای محفوظ ماندن از آسیب و یا دفع بلا نوشته و یا خوانده می شد و جدولهایی بی معنی در آن قید می گردید قطعاً حرام و



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

حتی کفر بوده است، اما علماء معتقدند نوشتن و یا خواندن دعایی که به زبان عربی بوده و دارای معنی و به نام الله و صفات الله و از قرآن و دعاهای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - باشد اشکالی ندارد. بعضی از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - این نوع دعاها را نوشته اند و اجرت آنرا نیز گرفته اند، مع الوصف نخواستن و نوشتن آن و توکل به الله برای رفع مشکل بهتر است. ولی کسانی که دعانویسی را به عنوان منبع درآمدی قرار داده و با نوشتن جملاتی که هدف از آن صرفاً جمع آوری پول و فریب اشخاص است و به هنگام نوشتن دعا هیچگونه حالت تضرع و خشوع و خضوعی در پیشگاه الله برای رفع مشکل ندارند و مقصود اصلی آنان فقط منافع شخصی است و دکانی را به این اسم باز کرده اند چنانچه ذره ای ایمان در قلبشان باقی باشد از این راه غیر مشروع کسب رزق نکنند و از اعمال گذشته خود توبه کنند و مردم را از راه راست منحرف نمایند. بر مسلمانان نیز لازم است که به الله متکی باشند و برای رفع مشکلات خود از راه درست و الله پسندانه وارد شوند و خود را در دام افرادی که از الله نمی ترسند گرفتار نمایند. باید بدانیم که توکل آن است که انسان، با ایمان راسخ به الله و یقین به اینکه قضا و امر الله قابل برگشت نیست، از سنت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و دستور عقل برای تهیه وسایلی که از جانب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و تشخیص علم مفید اعلام شده است پیروی نماید.

راجع به (داغ نمودن) اعضاء باید بگوییم که در احادیث دیگری پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دستور فرموده که با نوشیدن شربت غسل و حجامت و داغ، خودتان را مداوا کنید. از طرفی احادیث دیگری وجود دارد که از داغ نمودن اعضاء نهی می نمایند، بنابراین علماء برای جمع این احادیث



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

می گویند که با توجه به احادیث قسمت اول به هنگام عارض شدن ناراحتی داغ جایز است ولی نظر به اینکه مردم عقیده عجیبی به تأثیر داغ کردن پیدا کرده بودند، حتی قبل از درد خود را داغ می نمودند و این امر نشانه ضعف توکل آنان بر الله بود، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: مؤمنان واقعی که بدون حساب وارد بهشت می شوند کسانی هستند که توکل به الله دارند و از این نوع داغها پرهیز می نمایند.^۱



^۱ - شرح مسلم بر نووی، ج ۳، ص ۹۰-۹۳. ارشاد الساری، ج ۸، ص ۳۹۶.



حدیث [۳۰]

نمازهای سنت و نوافل در منزل ادا شوند

📖 عن زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - اتَّخَذَ حُجْرَةً، مِنْ حَصِيرٍ، فِي رَمَضَانَ، فَصَلَّى فِيهَا لَيْلِيًا، فَصَلَّى بِصَلَاتِهِ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِهِ، فَلَمَّا عَلِمَ بِهِمْ جَعَلَ يَقْعُدُ، فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ، فَقَالَ: قَدْ عَرَفْتُ الَّذِي رَأَيْتُمْ مِنْ صَنِيعِكُمْ، فَصَلُّوا أَيُّهَا النَّاسُ فِي بُيُوتِكُمْ فَإِنَّ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ صَلَاةَ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ.^۱

ترجمه: «زید بن ثابت رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در ماه رمضان در منزل خود با پرده حصیری حجره ای ساخت و چند شبی در آن نماز شب می خواند، عده ای از اصحاب در مسجد به نماز پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در آن حجره اقتدا می کردند، وقتی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - متوجه اقتدای آنان شد در منزل نشست و به آن حجره رفت (اصحاب به خیال اینکه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به خواب رفته است سر و صدایی بلند کردند حتی عده ای سنگهایی ریز به در می کوبیدند تا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را بیدار سازند) پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به نزد آنان رفت و فرمود: متوجه سر و صدا و علاقه شما به نماز در مسجد شدم، ولی ای مردم! در منزل نماز بخوانید و بهترین نماز آن است که در منزل خوانده شود، به جز نمازهای پنجگانه واجب.

^۱- أخرجه البخاري في: ۱۰ كتاب الأذان: ۸۱ باب صلاة الليل.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

شرح حدیث:

تمام نمازهای سنت به جز آنهایی که جماعت در آنها سنت است مانند نماز عید فطر و قربان و تراویح بهتر آن است در منزل خوانده شوند ولی نماز جشنها و تراویح بهتر است در مسجد و با جماعت باشند، در ضمن نماز تحیة المسجد خاص مسجد است و در منزل خوانده نمی شود.^۱




^۱- ارشاد الساری، ج ۲، ص ۷۰.



حدیث [۳۱]

قرآن را با صدای زیبا تلاوت کردن

 عن أبي موسى - رضي الله عنه - عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ لَهُ: يَا أَبَا مُوسَى لَقَدْ أُوتِيتَ مِزْمَارًا مِنْ مِزَامِيرِ آلِ دَاوُدَ.^۱
 يعني: «ابو موسی رضی الله عنه گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به من فرمود: ای ابوموسی! الله یکی از صوتها و الحان خوش داوود را به تو بخشیده است».

 شرح حدیث:

«مزامیر: جمع مزمار يك آلت معروف موسیقی (نای) است که در اینجا کنایه از صوت و الحان خوش است. آل داود: در اینجا منظور شخص داود است».^۲



^۱ - أخرجه البخاري في: ۶۶ کتاب فضائل القرآن: ۳۱ باب حسن الصوت بالقراءة.

^۲ - ارشاد الساری، ج ۷، ص ۴۸۱.



حدیث [۲۳]

میت را به سبب گریه های تان تعذیب نکنید

عن عائشة رضي الله عنها زوج النبي - صلى الله عليه وسلم -،
قالت: إنما مر رسول الله - صلى الله عليه وسلم - على يهودية يبكي
عليها أهلها، فقال: إنهم ليكونون عليها، وإنها لتعذب في قبرها.^۱

یعنی: «عایشه رضی الله عنها همسر- پیامبر -صلی الله علیه وسلم - می
گوید: پیامبر -صلی الله علیه وسلم - از کنار قبر یک زن یهودی گذشت دید
که خانواده اش بر آن گور گریه می کنند، فرمود: اینها برای او گریه می
کنند در حالی که او (به خاطر کفرش) در گور عذاب داده می شود».

عن المغيرة - رضي الله عنه -، قال: سمعت النبي - صلى الله عليه وسلم -
يقول: من نوح عليه يعذب بما نوح عليه.^۲

ترجمه: «مغیره رضی الله عنه می گوید: از پیامبر -صلی الله علیه وسلم -
شنیدم که فرمود: کسی که برایش نوحه و گریه و زاری شود به وسیله این
عمل خلاف ناراحت می باشد».

شرح هردو حدیث:

که کسانی که در حال حیات خود خانواده شان را به گریه و زاری و
نوحه برای فوت اشخاص عادت می دهند و آنها را از این اعمال منع نمی

۱- أخرجه البخاري في: ۲۳ كتاب الجنائز: ۳۳ باب قول النبي - صلى الله عليه وسلم - يعذب الميت ببعض بكاء
أهله عليه.

۲- شرح نووی بر مسلم، ج ۶، ص ۲۲۸، و ارشاد الساری، ج ۲، ص ۴۰۰.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

کنند و یا مانند عادت عرب جاهلیت به آنان توصیه می کنند که پس از مرگشان، خانواده آنان مراسم گریه و نوحه برایشان برپا سازند چنین اشخاصی وقتی که بمیرند به سبب گریه نزدیکانشان که خودشان در زمان حیات در آن دخالت داشته اند عذاب داده می شوند.

قاضی عیاض می گوید: مرده از گریه آنها خشنود نیست چون می داند این گریه به خاطر دل بستگی آنان به دنیا می باشد. و منظور از جمله فوق این نیست: که مرده به خاطر گریه نزدیکانش عذاب داده می شود، تا این اعتراض پیش آید که کسی به خاطر گناه دیگر عذاب داده نمی شود.





حدیث [۲۳]

قرآن را بدون توجه به معنی آن نخوانید

📖 عن جُنْدَبٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -:
 «اِقْرءُوا الْقُرْآنَ مَا اُنْتَلَفْتُمْ عَلَيْهِ قُلُوبُكُمْ فَإِذَا اِخْتَلَفْتُمْ، فَمُومُوا عَنْهُ».^۱
 یعنی: «جندب رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم -
 گفت: با قلب آگاه و خاطر آرام، قرآن را بخوانید، همینکه پریشان خاطر
 شدید و قلبتان متوجه معنی آیات نشد از خواندن قرآن دست بکشید».

📖 شرح حدیث:

مراد به حدیث اینست که قرآن را بدون توجه به معنی آن نخوانید.^۲
 قرآن برای اندیشیدن و تدبر نازل شده، الله عزوجل می فرماید: ﴿کتاب
 أنزلناه إليك مبارك ليدبروا آياته وليتذكر أولوا الألباب (۲۹)﴾ [ص: ۲۹].
 «این کتاب پربرکت را بر تو نازل کردیم تا در آیات آن بیندیشند و
 خردمندان باید متذکر شوند».
 و تدبر ایجاد نمی شود مگر آن که معنی آن فهمیده شود. پس در آن
 می اندیشد و متأثر می شود و الله می فرماید: ﴿والذين إذا ذكروا بآيات ربهم
 لم يخروا عليها صما وعميانا (۷۳)﴾ [الفرقان: ۷۳].

^۱ - أخرجه البخاري في: ۶۶ كتاب فضائل القرآن: ۳۷ باب «اقرءوا القرآن ما انتلفت عليه قلوبكم».

^۲ - ارشاد الساری: ج ۷، ص: ۴۸۷.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

«کسانی اند که چون آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور روی آن نمی افتند (بلکه با گوش دل می شنوند)».

از اینجاست که اهمیت توجه به تفسیر آیات روشن می شود.

امام ابن جریر طبری می گوید: از کسی که قرآن را می خواند و تفسیر آن را نمی داند متعجب و شگفت زده می شوم، چه گونه از قرائت آن لذت می برد.





و جوب نصیحت و خیر خواهی

📖 عن جریر بن عبد الله رضی الله عنه قال بايَعْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ، فَلَقَّنَنِي فِيهَا اسْتَطَعْتُ، وَالنُّصْحَ لِكُلِّ مُسْلِمٍ.^۱

ترجمه: «جریر بن عبدالله گوید: با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بیعت کردم که همیشه و بطور مطلق مطیع و فرمانبردار باشم ولی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به من فرمود: بگو به اندازه قدرت و توانایی مطیع و فرمان بردار می باشم. تعهد نمودم که از نصیحت و خیرخواهی مسلمانان کوتاهی نکنم، و آنان را به آنچه صلاح دین و دنیایشان است راهنمایی نمایم و با خلوص نیت هر چه در توان دارم در راه سعادت مسلمانان به کار گیرم.»

📖 شرح حدیث:

«نصیحت: جزو کلمات قصار است و دربرگیرنده تمام خیرخواهی و سعادت طلبی از طرف نصیحت کننده برای نصیحت شده می باشد، امام خطابی در «معالم السنن» می نویسد: در زبان عرب کلمه مفرد دیگری وجود ندارد که بتواند معنی آن را تعبیر نماید.»

ابن رجب رحمه الله می گوید: «اگر قرار بود فقط کسانی که از گناه و اشتباه معصومند [مردم را] نصیحت کنند، پس از رسول الله ﷺ کسی مردم را پند و اندرز نمی داد، زیرا هیچکس بعد از ایشان معصوم نیست.»

^۱ - أخرجه البخاري في: ۹۳ كتاب الأحكام: ۴۳ باب كيف يبایع الإمام الناس.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

انسان اگر اهل نصیحت (خیرخواهی) نیست، حداقل از نصیحت بدش
نیاید!

عمر فاروق رضی الله عنه می فرماید: «هیچ خیری در آن قومی نیست که
نصیحتگر نیستند، و هیچ خیری در قومی نیست که نصیحت را دوست
ندارند».





حدیث [۲۵]

نهی از دشنام زدن

عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ.^۱

ترجمه و شرح حدیث: 

«عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: دشنام و توهین به مسلمان باعث فاسق شدن و خارج شدن توهین کننده از قانون و دستور اسلام است. و جنگ با مسلمان از صفات کافران است (و کفران نعمت مهر و محبتی است که به وسیله برادری و همبستگی اسلامی به وجود آمده است).»^۲



^۱ - أخرجه البخاري في: كتاب الإيمان: ۳۶ باب خوف المؤمن من أن يحبط عمله وهو لا يشعر.

^۲ - شرح نووی بر مسلم، ج ۲، ص ۵۴.



حدیث [۳۶]

تقسیم بندگان الله عزوجل بر دو دسته

📖 عن زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ الْجُهَنِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: صَلَّى لَنَا رَسُولُ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - صَلَاةَ الصُّبْحِ بِالْحُدَيْبِيَّةِ عَلَى إِثْرِ سَمَاءٍ كَانَتْ مِنَ اللَّيْلَةِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَقَالَ: هَلْ تَدْرُونَ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ: أَصْبَحَ مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنٌ بِي وَكَافِرٌ، فَأَمَّا مَنْ قَالَ مُطِرْنَا بِفَضْلِ اللهِ وَرَحْمَتِهِ فَذَلِكَ مُؤْمِنٌ بِي وَكَافِرٌ بِالْكَوْثَبِ وَأَمَّا مَنْ قَالَ مُطِرْنَا بِنَوْءٍ كَذَا وَكَذَا فَذَلِكَ كَافِرٌ بِي وَمُؤْمِنٌ بِالْكَوْثَبِ»^۱.

ترجمه: «زید پسر خالد جهنی رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نماز صبح را در حدیبیه در حالی که در آن شب باران آمده بود به امامت برای ما خواند، همینکه از نماز فارغ شد رو به مردم کرد و فرمود: آیا شما می دانید پروردگار شما چه می گوید؟ مردم گفتند: الله و پیامبر الله از همه داناترند، گفت: الله می فرماید: بندگان من دو دسته هستند دسته ای که به من ایمان دارند و دسته ای که کافرند. کسانی که می گویند الله به فضل و کرم خود برای ما باران نازل کرده است آنان از کسانی هستند که به من ایمان دارند و به تأثیر ستاره ها کفر می ورزند». اما کسانی که می گویند: فلان ستاره برای ما باران نازل نمود، این افراد به من عقیده ندارند و به ستاره ها ایمان دارند.

۱- أخرجه البخاري في: ۱۰ كتاب الأذان: ۱۵۶ باب يستقبل الإمام الناس إذا سلم.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

شرح حدیث:

کسی که عقیده داشته باشد که ستاره ها در سرنوشت انسان و نزول باران مؤثر واقعی هستند بدون شك کافر هستند ولی اگر گفته شود، تجربه شده هرگاه ستاره ها نسبت بهم در فلان موقعیت قرار گیرند باران می آید و این امر نشانه نزول باران است، شافعی می فرماید: این گفته باعث کفر نیست و گناه هم محسوب نمی شود.^۱



^۱- شرح نووي بر مسلم: ج ۲، ص: ۶۰.


حدیث [۳۷]

روزی خواهد آمد که می گویند: فلانی عجب انسان عاقل و باظرافت و بردباری می باشد! گرچه این مرد نیز به اندازه ذره ای ایمان در دلش موجود نیست

📖 عن حُدَيْفَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا رَسُولُ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - حَدِيثَيْنِ، رَأَيْتُ أَحَدَهُمَا، وَأَنَا أَنْتَظِرُ الْآخَرَ حَدَّثَنَا أَنَّ الْأَمَانَةَ نَزَلَتْ فِي جَذْرِ قُلُوبِ الرِّجَالِ، ثُمَّ عَلِمُوا مِنَ الْقُرْآنِ ثُمَّ عَلِمُوا مِنَ السَّنَةِ وَحَدَّثَنَا عَنْ رَفِيعِهَا قَالَ: يَنَامُ الرَّجُلُ النَّوْمَةَ فَتُقْبَضُ الْأَمَانَةُ مِنْ قَلْبِهِ، فَيَظَلُّ أَثَرُهَا مِثْلَ أَثَرِ الْوَكْتِ، ثُمَّ يَنَامُ النَّوْمَةَ فَتُقْبَضُ، فَيَبْقَى أَثَرُهَا مِثْلَ الْمَجَلِّ كَجَمْرٍ دَخَرَجْتُهُ عَلَى رِجْلِكَ، فَتَبْقَى فَتَرَاهُ مُنْتَبِرًا وَلَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ، فَيُصْبِحُ النَّاسُ يَتَبَايَعُونَ فَلَا يَكَادُ أَحَدٌ يُؤَدِّي الْأَمَانَةَ، فَيَقَالُ إِنَّ فِي بَنِي فُلَانٍ رَجُلًا أَمِينًا؛ وَيُقَالُ لِلرَّجُلِ مَا أَعْقَلَهُ وَمَا أَظْرَفَهُ وَمَا أَجْلَدَهُ وَمَا فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةِ خُرْدٍ لِمِنْ إِيمَانٍ وَلَقَدْ أَتَى عَلِيَّ زَمَانٌ وَمَا أَبَالِي أَيْكُمْ بَايَعْتُ؛ لَنْ كَانَ مُسْلِمًا رَدَّهُ عَلَيَّ الْإِسْلَامَ، وَإِنْ كَانَ نَصْرَانِيًّا رَدَّهُ عَلَيَّ سَاعِيهِ، فَأَمَّا الْيَوْمَ، فَمَا كُنْتُ أَبَايَعُ إِلَّا فُلَانًا وَفُلَانًا»^۱.

ترجمه و شرح حدیث

«حدیفه رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - دو حدیث را برای ما بیان فرمود که یکی از آنها را به چشم خود مشاهده کردم

^۱ - أخرجه البخاري في: ۸۱ كتاب الرقاق: ۳۵ باب رفع الأمانة.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

و منتظر دومی می باشم. فرمود: امانت و درستکاری (امری است فطری) که الله آن را در ژرفای قلب مردم قرار داده است، و قرآن و حدیث هم آن را به مردم یاد داده اند. (پس مردم هم از طریق فطری و هم از طریق شرعی بر اهمیت آن آگاه هستند.) پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در مورد از بین رفتن امانت نیز برای ما بحث کرد و فرمود: گاهی انسان می خوابد و وقتی که بیدار می شود می بیند که امانت و درستکاری و ایمان از قلبش برداشته شده است همینکه نور امانت در دلش خاموش شد لکه سیاهی در آن ظاهر می شود همانگونه که در جامه سفید لکه سیاه پدید می آید، بار دیگر که خوابید آثار باقی مانده نور امانت و درستکاری به تمامی از قلبش برداشته می شود و ظلمت و تاریکی بیشتری بر قلب او مسلط می گردد و آثار آن بر قلب ظاهر می شود همانگونه که تاولها در اثر فشار و کار بر روی پا ظاهر می گردند و می بینی که پوست آن ورم کرده ولی تو خالی است. (یعنی تاریکی بر روی قلب اثری بیشتر به جا می گذارد) آنگاه مردم با هم به معامله و داد و ستد می پردازند و هیچ يك امانت را رعایت نمی کنند (و کار به جایی می رسد که انسان امین انگشت نما می شود) و گفته می شود در بین فلان طایفه يك نفر امین وجود دارد، و مردم از او تعریف و تمجید می نمایند. مثلاً می گویند: فلانی عجب انسان عاقل و باظرافت و بردباری می باشد! گر چه این مرد نیز به اندازه ذره ای ایمان در دلش موجود نیست. حذیفه رضی الله عنه می گوید: زمانی بود به هر کس که می رسیدم با او معامله می کردم (چون افراد امین زیاد بودند و به مردم اطمینان داشتم درباره درستکاری آنان تحقیق نمی کردم) چون کسی که با او معامله می کردم یا مسلمان بود و اسلام و ایمانش او را وادار می ساخت که امانت را



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

در حق من رعایت کند، و یا نصرانی بود و حاکم او را ملزم به رعایت امانت نسبت به من می کرد، ولی امروز (به علت عدم رعایت امانت و کثرت خیانت) جز با افراد معدودی مانند فلان شخص و فلان شخص معامله نمی کنم»^۱.

«جذر: اصل، ریشه. وکت: نقطه ای است بر صفحه ای که از رنگ آن نباشد، سیاهی کم، پیدایش رنگی در چیزی که مخالف رنگ قبلی آن باشد. مجل: تاولهایی است که در اثر فشار دست بر دسته تبر یا تیشه به وجود می آید. نفظ: ورم کردن».



^۱- شرح نووی بر مسلم، ج ۲، ص ۱۷۱.



حدیث [۲۸]

شستن بینی (سه بار) پس از بیدار شدن از خواب

📖 عن أَبِي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه - عَنِ النَّبِيِّ - صلى الله عليه وسلم - قَالَ: إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَنَامِهِ فَتَوَضَّأَ فَلْيَسْتَنْثِرْ ثَلَاثًا فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَبِيتُ عَلَى خَيْشُومِهِ^۱.

ترجمه: «ابوهریره رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: شما هر وقت از خواب بیدار شدید و وضو گرفتید سه بار بینی خودتان را بشوید، چون کثافت و اشیاء موزی (میکروب) شبها در قسمت بالای بینی جمع می شوند».

📖 شرح حدیث:

«شیطان: شیطان در اینجا کنایه از کثافت و اشیاء موزی است. خیشوم: قسمت بالا در داخل بینی».^۲



^۱ - أخرجه البخاري في: ۵۹ کتاب بدء الخلق: ۱۱ باب صفة إبليس وجنوده.

^۲ - شرح مسلم بر نووی، ج ۳، ص ۱۲۷.



حدیث [۳۹]

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - کارهای جایز را یکبار یا دوبار انجام داده است، تا مردم گمان نکنند که این کارها حرام هستند ولی بر کارهای سنت و واجب دوام داشته است

📖 عن حُدَيْفَةَ، قَالَ: رَأَيْتُنِي أَنَا وَالنَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نَتَمَشَى، فَأَتَى سُبَاطَةَ قَوْمٍ خَلْفَ حَائِطٍ فَقَامَ كَمَا يَقُومُ أَحَدُكُمْ، فَبَالَ، فَأَنْتَبَذْتُ مِنْهُ، فَأَشَارَ إِلَيَّ فَجِئْتُهُ، فَقُمْتُ عِنْدَ عَقِبِهِ حَتَّى فَرَّغَ.^۱

ترجمه: «حذیفه رضی الله عنه می گوید: با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - داشتیم می رفتیم تا به محل زباله و قضای حاجت عمومی مردم که در پشت دیواری قرار داشت رسیدیم، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ایستاد همانگونه که شما می ایستید و در حالی که ایستاده بود ادرار کرد و من هم از آنجا دور شدم ولی به اشاره او برگشتم و پشت سرش ایستادم تا اینکه فارغ گردید.»

📖 شرح حدیث:

عایشه رضی الله عنها می فرماید: که ادرار کردن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - همیشه به حالت نشسته بوده است، علماء گویند: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - کارهای جایز را یکبار یا دو بار انجام داده است، تا مردم گمان نکنند که این کارها حرام هستند ولی بر کارهای سنت و واجب دوام داشته

^۱ - أخرجه البخاري في: ٤ كتاب الوضوء: ٦١ باب البول عند صاحبه والتستر بالحائط.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

است، در اینجا هم پیامبر - صلی الله علیه وسلم - با دوام بر نشستن در حال ادرار به ما نشان داده است که ادرار به حالت نشستن بهتر و سنت است و با یکبار ادرار در حال ایستادن نیز جایز بودن آن را اعلام داشته است.^۱



^۱ - شرح نووی بر مسلم، ج ۳، ص ۱۶۹.



حدیث [۳۰]

پاک بودن منی

📖 عن عائشة رضي الله عنها سئلت عن المنيّ يصب الثوب، فقالت: كنت أغسله من ثوب رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فيخرج إلى الصلاة وأثر الغسل في ثوبه، بقع الماء.^۱

ترجمه: «از عایشه - رضي الله عنها - درباره لباسی که به منی آلوده می شود سؤال شد، (آیا پاک است یا خیر؟) عایشه گفت: معمولاً من منی را که بر لباس پیامبر - صلى الله عليه وسلم - می بود می شستم وقتی پیامبر - صلى الله عليه وسلم - برای انجام نماز بیرون می رفت هنوز آثار تری و نم آب بر لباسش باقی می ماند.»

📖 شرح حدیث:

اکثر علمای فقه اسلامی از جمله امام شافعی عقیده دارند که منی چه خشک باشد چه تر پاک است و واجب نیست که شسته شود، ولی شستن آن بهتر است.^۲



^۱ - شرح نووی بر مسلم، ج ۳، ص ۱۶۹.

^۲ - شرح نووی بر مسلم، ج ۳، ص ۱۹۸.


حدیث [۳۱]
حرمت سخن چینی و احتیاط نکردن به هنگام ادرا

📖 عن ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرَيْنِ، فَقَالَ: إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ، وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ؛ أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَبْرِي مِنَ الْبَوْلِ؛ وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي - بِالْثَّمِيمَةِ ثُمَّ أَخَذَ جَرِيدَةً رَطْبَةً فَسَقَّهَا نَصْفَيْنِ، فَغَرَزَ فِي كُلِّ قَبْرٍ وَاحِدَةً قَائِلًا يَا رَسُولَ اللهِ لِمَ فَعَلْتَ هَذَا قَالَ: لَعَلَّهُ يُخَفَّفُ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَبَيِّسَا»^۱.

یعنی: «ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از کنار دو قبر گذشت، فرمود: این دو نفر عذاب داده می شوند در حالی که به خیال خود مرتکب گناه کبیره نشده بودند، ولی یکی از آنان به هنگام قضای حاجت مجرای ادراش را خالی و تمیز نمی کرد و وقتی که بلند می شد مقداری از ادراش باقی می ماند، و بدن و لباسهایش را نجس و کثیف می نمود، (و این گناه هر چند به نظر او چیزی نبود ولی گناهی است مهم و موجب عذاب او می باشد). و نفر دومی کسی بود که سخن چینی می کرد و سخن اشخاص را به منظور فتنه انگیزی پیش اشخاص دیگری می برد (و خیال می کرد که گناه مهمی مرتکب نشده است در حالی که سخن چینی یکی از گناههای کبیره است). سپس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - یک شاخه تر درخت خرما را گرفت و آنرا دو نیم کرد و بر هر یک از آن دو قبر نصف شاخه را نشانید و غرس نمود، اصحاب گفتند: ای رسول الله! چرا این

^۱ - أخرجه البخاري في: ٤ كتاب الوضوء: ٥٦ باب ما جاء في غسل البول.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

شاخه ها را بر این قبرها قرار دادی؟ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: امیدوارم اگر این شاخه ها خشک نشوند و سبز گردند موجب تخفیف عذابشان باشند»^۱.

شرح حدیث:

استاد سید سابق در «فقه السنة» می گوید: نشان دادن نهال و دسته گل بر قبر مشروع نیست و دلیل شرعی ندارد. اما حدیثی که بخاری از ابن عباس روایت کرده که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - از کنار دو قبر می گذشت و گفت: (تا اخیر حدیث [که در بالا ذکر کردیم]) خطابي در جواب آن گفته است: این کار در اثر برکت دعای پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - بوده و اختصاص به وي دارد و گوئی که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - مدت تاثیر دعای خویش را تا زمان خشک شدن آن شاخه ها بیان کرده است. و این بدان معنی نیست که خاصیت پذیرش دعا و تخفیف عذاب در شاخه تر هست ولي در شاخه خشک نیست.

مردمان عامی در اکثر شهرها شاخه های خرما را بر گور مردگان خود می نشانند، بگمانم از این مطلب متأثر شده اند و هیچ دلیلی ندارند. آنچه که خطابی گفته است صحیح و درست می باشد و اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - نیز از این روایت همین مطلب را فهمیده اند. زیرا از هیچیک از یاران، پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - نقل نشده است که شاخه ای، نهالی یا دسته گلی بر قبری نهاده باشند، مگر بریده اسلامی که او وصیت کرده بود: برگورش دو شاخه تر نشانند. بروایت بخاری. بعید

^۱ - شرح نووی بر مسلم، ج ۳، ص ۲۰۱.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

بنظر می رسد، نهادن دو شاخه تر برگور و کاشتن آن یک عمل شرعی باشد و همه اصحاب پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - از آن بی خبر باشند بجز بریده اسلمی. حافظ در «الفتح» گفته است: مثل اینکه بریده معنی حدیث را عام دانسته و خاص آن دو مرد ندانسته است. ابن رشید گفته است از گفته بخاری چنین برمی آید که این واقعه اختصاص بدان دو مرد داشته است. زیرا بدنبال آن گفته است: ابن عمر خیمه ای را بر سر قبر عبدالرحمن دید و گفت: ای غلام این خیمه را بینداز، زیرا تنها عملش می تواند بر وی سایه اندازد. و از سخن ابن عمر چنان برمی آید: چیزی که روی گور می نهند سودی به حال صاحب گور ندارد و تنها عمل انسان می تواند تاثیر داشته باشد.

حذیفه رضی الله عنه می گوید: تهمت بستن [مسلمان]، عبادت صد ساله ی شخص را نابود می کند. «فتح الباری»





حدیث [۳۴]

قیودی که شریعت بالای شوهری که همسرش در عادت ماهوار قرار دارد، تعیین نموده است

📖 عن عائشة رضي الله عنها، قالت: كانت إحدانا إذا كانت حائضًا، فأراد رسول الله - صلى الله عليه وسلم - أن يباشرها، أمرها أن تتزر في فور حيصتها، ثم يباشرها قالت: وأيكم يملك إربه كما كان النبي - صلى الله عليه وسلم - يملك إربه^۱.

ترجمه: «عایشه رضی الله عنه می گوید: هرگاه یکی از ما (زنان پیامبر - صلی الله علیه وسلم -) به حالت حیض در می آمد، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می خواست با او مباشره کند و تماس بگیرد، به او دستور می داد که از ابتدای حالت حیض، دامن و شلوار را بر روی ناف و زانوهایش محکم ببندد (تا سایر اعضای بدن او آلوده نشود) آنگاه به جز جماع هرگونه تماس و مباشرتی را (در قسمتهای بالای ناف و پایین زانو) با او می گرفت، عایشه گفت: کدام يك از شما می تواند مانند پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بر نفس خود تسلط داشته باشد؟»

شرح حدیث: ✍️

در مورد تماس با زن در حال حیض باید بگوییم به اتفاق علمای اسلام و به نص قرآن و حدیث، جماع حرام است و کسی که آنرا حلال بداند کافر است و کسی که با عقیده به حرام بودن آن مرتکب چنین عملی شود به ناه

۱- أخرجه البخاري في: ۶ کتاب الحيض: ۵ باب مباشرة الحائض.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

بزرگی آلوده شده است که باید توبه کند، ولی تماس شوهر با زنش در حالت حیض به هر کیفیتی که باشد بشرط اینکه مربوط به قسمت بالاتر از ناف و یا پایین تر از زانوهای زنش باشد، جایز و بلا مانع است، اما تماس شوهر با قسمت بین ناف و زانوهای زنش در این حالت هر چند به دور از جماع باشد بنا به قول اکثر علماء حرام است.^۱

«یملك إربه: مسلط بر نفسش می باشد».



^۱ - شرح نووی بر مسلم، ج ۳، ص ۲۰۵.



حکم سلام دادن در حالت جنابت

📖 عن أَبِي الْجُهَيْنِمِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عُمَيْرِ مَوْلَى ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: أَقْبَلْتُ أَنَا وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَسَارٍ مَوْلَى مَيْمُونَةَ، زَوْجِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، حَتَّى دَخَلْنَا عَلَى أَبِي جُهَيْنِمِ بْنِ الْحَرِثِ بْنِ الصَّمَّةِ الْأَنْصَارِيِّ، فَقَالَ أَبُو الْجُهَيْنِمِ: أَقْبَلَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مِنْ نَحْوِ بَيْتِ جَمَلٍ، فَلَقِيَهُ رَجُلٌ فَسَلَّمَ فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، حَتَّى أَقْبَلَ عَلَى الْجِدَارِ، فَمَسَحَ بِوَجْهِهِ وَيَدَيْهِ، ثُمَّ رَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ»^۱.

ترجمه: «عمیر غلام آزاد شده ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: من و عبدالله بن یسار (غلام آزاد شده میمونه همسر پیامبر - صلی الله علیه وسلم) با هم به نزد ابو جهیم بن حارث بن صمه انصاری رفتیم، ابو جهیم گفت: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از جانب بئر جمل (محللی است در نزدیکی مدینه) می آمد (و آب همراه نداشت) مردی به او رسید و سلام کرد، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - جواب سلامش را نداد، تا اینکه به سوی دیواری که در آنجا بود رفت و با دست دیوار را مسح کرد، و سپس صورت و دستهایش را مسح نمود، و جواب سلام آن شخص را داد».

^۱ - أخرجه البخاري في: ۷ كتاب التيمم في الحضر إذا لم يجد الماء .



شرح حدیث: 

علماء در مسئله چگونگی تیمم و اینکه نمازی که با تیمم صورت گرفته است آیا قضا می شود یا خیر، با هم اختلاف نظر دارند. قول صحیح اینست که برای مسح صورت باید یکبار کفها را بر زمین بزنیم، و برای مسح دستها هم یکبار و دستها هم باید تا آرنج مسح شوند، و عدّه ای معتقدند که یکبار دست به زمین زدن برای مسح صورت و کف و پشت دستها کافی است و مسح دستها تا آرنج لازم نیست، در مورد قضای نمازی که با تیمم صورت گرفته است مذهب شافعی این است که اگر تیمم به خاطر مرض یا زخم و یا نبودن آب در جاهایی باشد که اغلب آب در آنجا کمیاب است قضای نماز لازم نیست، ولی اگر تیمم به خاطر نبودن آب در جایی باشد که اغلب دارای آب است، قضای نماز واجب است.^۱



^۱- شرح نووی بر مسلم، ج ۴، ص ۵۷.


کراهیت ترک قیام اللیل

📖 **عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: ذُكِرَ عِنْدَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - رَجُلٌ نَامَ لَيْلَهُ حَتَّى أَصْبَحَ، قَالَ: ذَاكَ رَجُلٌ بَالَ الشَّيْطَانُ فِي أُذُنِهِ أَوْ قَالَ: فِي أُذُنِهِ»^۱.**

یعنی: «عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: پیش پیامبر - صلی الله علیه وسلم - راجع به يك مرد گفتند که فلانی شب به تمامی تا صبح می خوابد، پس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: این مرد کسی است که شیطان او را فریب داده و گوشه‌هایش را از شنیدن حق کر نموده است»^۲.
«بال في أذنيه: گوشه‌هایش را فاسد نموده است».

📖 **عن أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلَاثَ عُقَدٍ؛ يَضْرِبُ عَلَى كُلِّ عُقْدَةٍ، عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ، فَإِنِ اسْتَيْقَظَ فَذَكَرَ اللَّهَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنِ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنِ صَلَّى انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ، وَإِلَّا أَصْبَحَ حَبِيثَ النَّفْسِ كَسَلَانَ»^۳.**

ترجمه: «ابو هریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: هر يك از شما وقتی می خوابد شیطان بر اعصابش مسلط می گردد و تنبل و کسل می شود، انگار که شیطان سرش را به ریسمانی

^۱ - أخرجه البخاري في: ۵۹ كتاب بدء الخلق: ۱۱ باب صفة إبليس وجنوده.

^۲ - شرح نووی بر مسلم، ج ۶، ص ۶۴.

^۳ - أخرجه البخاري في: ۱۹ كتاب التهجيد: ۱۲ باب عقد الشيطان على قافية الرأس إذا لم يصل بالليل.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

محکم بسته و سه گره بر آن زده است تا گشوده نشود (وقتی که می خواهد برای نماز شب بلند شود) شیطان به او می گوید: هنوز وقت زیادی از شب نگذشته است فعلاً بخواب، اما اگر به وسوسه شیطان توجه نکند و بیدار شود و به ذکر الله مشغول گردد، مقداری قدرت و نیرو می گیرد، انگار که یکی از گره ها گشوده شده است، و اگر بلند شود و وضو بگیرد، نشاط بیشتری کسب می کند، گویی که گره دیگری از گره های شیطان نیز گشوده شده است و چنانچه نماز بخواند کاملاً با نشاط و سر حال می شود، مثل اینکه در چنین حالی آخرین گره شیطانی باطل می شود، و انسان احساس شادی و آرامش درونی می نماید، اما اگر تسلیم وسوسه های شیطان شود، سستی و تنبلی بر او غلبه می کند، و درونش ناآرام و متشنج خواهد شد».





حدیث [۳۵]

آمادگی کامل برای ادای نماز جمعه

📖 عن عائشة رضي الله عنها، قالت: كان الناس مهنة أنفسهم، وكانوا إذا راحوا إلى الجمعة راحوا في هيئتهم، ف قيل لهم لو اغتسلتم! ^۱

ترجمه: «عایشه رضی الله عنها می گوید: مردم خدمه و کارگر خود بودند و خود کار می کردند، و وقتی که به جمعه می رفتند با همان هیئت و قیافه غبارآلود و عرق کرده می رفتند، به ایشان گفته شد: چنانچه غسل کنید بهتر است.»

شرح حدیث: 

علماء درباره حکم غسل جمعه با هم اختلاف نظر دارند، جماعتی از سلف از بعضی اصحاب و جوب غسل جمعه را روایت کرده اند، اهل ظاهر هم با توجه به حدیث ابو سعید خدری به و جوب آن معتقد می باشند، اما جمهور علماء از سلف و خلف و علمای اقطار مسلمین با توجه به احادیث صحیح دیگر معتقدند غسل جمعه واجب نیست بلکه سنت مؤکد می باشد. ^۲



^۱ - أخرجه البخاري في: ۱۰ كتاب الجمعة: ۱۶ باب وقت الجمعة إذا زالت الشمس.

^۲ - شرح نووی بر مسلم، ج ۶، ص ۱۲۴.


حدیث [۳۶]
اندازه‌ی زکات

📖 **عن أَبِي سَعِيدٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: لَيْسَ فِيمَا دُونَ خَمْسِ أَوْاقٍ صَدَقَةٌ، وَلَيْسَ فِيمَا دُونَ خَمْسِ دَوْدٍ صَدَقَةٌ، وَلَيْسَ فِيمَا دُونَ خَمْسِ أَوْسُقٍ صَدَقَةٌ»^۱.**

ترجمه: «ابوسعید - رضی الله عنه - می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: در نقره ای که میزان آن کمتر از پنج اوقیه باشد، زکات واجب نیست، در تعداد شتری که کمتر از پنج باشند زکات واجب نیست، در خرما و حبوبات کمتر از پنج وسق زکات واجب نیست».

شرح حدیث: 

«أواق: جمع اوقیه است هر اوقیه ۴۰ درهم است که کل پنج اوقیه ۲۰۰ درهم می باشد و هر ده درهم ۷ مثقال است که جمعاً ۱۴۰ مثقال می شود و با توجه به اینکه هر مثقال ۴/۶۴ گرم است جمع کل ۱۴۰ مثقال بر ۶۴۹/۶۰ گرم بالغ می گردد و بنابراین کسی که دارای ۶۴۹/۶۰ گرم نقره یا معادل آن طلا و پول رایج باشد زکات این نقره یا طلا و پول بر او واجب است و کمتر از آن زکات واجب نیست. ذود: برای سه تا ده شتر به کار می رود و برای مفرد، جمع، مذکر و مؤنث استعمال می گردد و در اینجا که (خمسة ذود) به صورت اضافه می باشد در معنی مفرد استعمال شده است یعنی در کمتر از پنج شتر زکات واجب نیست. وسق: هر وسق ۶۰ صاع است و هر

^۱ - أخرجه البخاري في: ۲۴ كتاب الزكاة: ۴ باب ما أدى زكاته فليس بكنز.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

صاع ۳۱۵ رطل است مجموع پنج وسق بالغ بر ۱۶۰۰ رطل می باشد با توجه به اینکه هر رطل ۸۹ مثقال و هر مثقال معادل ۴/۶۴ گرم است در نتیجه مجموع پنج وسق برابر است با ۶۶۰۷۳۶ گرم که معادل ۶۶۰ کیلو ۷۳۶ گرم می باشد بنابراین بر کسی که محصولات دیمی کشاورزی او از ۶۶۰/۷ کیلو خرما و گندم و جو کمتر باشد زکات واجب نیست و اگر به این مقدار رسید، زکات بر او واجب می باشد.^۱

زکات طلا و نقره

در طلا و نقره برابر است که به صورت سکه، شمش، زیور آلات یا تکه ای طلا و نقره ناخالص باشد که به حد نصاب برسد، زکات واجب است.

مقدار نصاب طلا

اگر طلا بیست دینار (یا بیست مثقال) یا بیش تر باشد، یک چهارم آن باید به عنوان زکات پرداخت شود. هر دینار طلا با یک مثقال برابر است و هر مثقال (۴.۲۵) گرم و بیست پنج سوت می باشد. به این ترتیب بیست دینار می شود (۸۵) گرم طلا و این کمترین حد نصاب طلا است.

^۱ - شرح نووی بر مسلم، ج ۷، ص ۴۹ - ۵۲.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

مقدار نصاب نقره

وقتی نقره به (۲۰۰ درهم یا بیش تر) برسد که وزن آن (پنج اوقیه و یا بیش تر) می باشد، واجب است که دو و نیم درصد (یک چهلیم) آن به عنوان زکات پرداخت شود و دویست درهم برابر است با (۵۹۵) گرم.

داشتهن طلا و نقره سه حالت دارد:

۱- اگر کسی با طلا و نقره تجارت می کند که باید از آن زکات کالاهای تجاری را که یک چهلیم است، پرداخت کند، چون طلا و نقره در چنین حالتی به کالای تجاری تبدیل شده است که باید با پول رایج همان شهر قیمت بزنند و سپس زکات آن را پرداخت کنند.

۲- اگر طلا و نقره چیزهای قیمتی مانند: انواع ظرف ها، چاقو، قاشق، آفتابه و... باشد که این حرام است و اگر به حد نصاب برسد باید یک چهلیم زکات آن را پرداخت کنند.

۳- اگر کسی طلا و نقره را به هدف استفاده مباح می خرد یا عاریه‌ی بدون عوض می گیرد، زکات ندارد.

زکات پول های نقد رایج

پول های نقد رایج در این زمان مانند: ریال، دلار و... مال نقد مستقل به حساب می آید که حکم طلا و نقره را دارد، بنابراین براساس قیمت طلا و نقره قیمت گذاری می شود و اگر به اندازه نصاب یکی از طلا یا نقره برسد، و سالی هم بر آن بگذرد، واجب است که یک چهلیم آن را به عنوان زکات پرداخت کنند.



❁ تعیین نصاب پول‌های نقد رایج

۱- نصاب پول‌های نقد رایج بر اساس نصاب طلا یا نقره سنجیده می‌شود و شکی نیست که تعیین نصاب پول‌های نقد رایج بر اساس نصاب نقره بهتر است، چون به نفع فقرا است. به این ترتیب که اگر پول نقد فردی کم‌تر از قیمت (۸۵) گرم طلا باشد و بطور مثال قیمت هر گرم طلا (۱۴۰) ریال سعودی است. نصاب طلا را با گرم به عنوان مثال ذکر می‌کنیم: $(1190 = 85 \times 140)$ ، این کمترین نصاب پول‌های رایج این زمان است که یک چهارم آن، (۲۹۷/۵) ریال سعودی و معادل (۲.۵٪) است.

۲- کمترین نصاب نقره (۵۹۵) گرم است و قیمت هر درهم نقره دو ریال سعودی است که حاصل ضرب آن می‌شود $(1190 = 2 \times 595)$ و این حداقل نصاب به ریال سعودی می‌باشد و یک چهارم آن که دو و نیم درصد است، باید به عنوان زکات پرداخت شود.

❁ تعیین مقدار زکات پول‌های رایج

برای تعیین مقدار زکات پول‌های رایج دو راه وجود دارد:

اول: پولی که دارد تقسیم بر (۴۰) می‌شود و یک چهارم آن را که همان زکات طلا و نقره است، زکات می‌دهد به طور مثال اگر هشتاد هزار ریال دارد، به این صورت تقسیم کند $(200 = 40 \div 80000)$ که ۲۰۰ ریال یا همین یک چهارم زکات فرد می‌شود.

دوم: یا کل پول را تقسیم بر (۱۰) کنند و نتیجه را تقسیم بر (۴) نمایند آنچه به دست می‌آید همان مقدار زکاتی است که باید پرداخت کنند، به این ترتیب اگر پول صد هزار ریال است وقتی تقسیم بر ده کنیم می‌شود ده



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

هزار ریال ($100000 = 10 \div 1000000$)، سپس تقسیم ده هزار را تقسیم بر چهار می‌کنیم نتیجه همان مقدار زکات واجب است که باید پرداخت شود: ($2500 = 4 \div 10000$) در واقع این نیز همان یک چهلیم است.

✿ زکات حساب جاری

حساب جاری، همان پولی است که در بانک می‌گذارند و هر وقت بخواهند مقداری از آن پول را از بانک می‌گیرند. این پول‌ها از همان اموالی به حساب می‌آید که به کسی قرض داده‌اند که هر وقت بخواهند بگیرند و زکات این اموال یا پول‌ها را در سال یک بار حساب کنند و زکاتش را جدا و پرداخت نمایند و در هر سال یک ماه را برای پرداخت زکات تعیین کنند و از آنچه در حساب جاری دارند، یک چهلیم را پرداخت نمایند.

✿ زکات حقوق ماهیانه

حقوق ماهیانه کارمندان که پایان هر ماه می‌گیرند، اموالی هستند که به صورت مستمر به فرد می‌رسد و چون پرداخت زکات در هر ماه مشکل به نظر می‌رسد بنابراین بهتر است که فرد مسلمان یک ماه از سال را تعیین کند و ببیند که چقدر از این حقوق برایش جمع شده است، در نتیجه هرچه یک سال بر آن‌ها بگذرد، زکات آن را بدهد و بر هر آنچه سالی هم نگذشته جایز است که زودتر زکات آن را بدهد.

✿ زکات حقوق کارمندان سازمان‌های خیری

اگر مقدار حقوق کارمندان جمعیت‌های خیری به مقدار نصاب برسد و سالی بر آن‌ها بگذرد و خرج نشود، واجب است که یک چهلیم آن به عنوان



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

زکات پرداخت شود. به این ترتیب هرگاه فردی حقوقش را دریافت کند که به حد نصاب برسد و سالی بر آن بگذرد، زکات در آن واجب است.

زکات پاداش‌های پایان خدمت کارمندان

پاداش‌های پایان دوره‌ی کارِ کارمندان؛ حقی است که حکومت، شرکت و... با شرایط از پیش تعیین شده به نفع کارمند، در پایان خدمت به وی پرداخت می‌کند و کارمند این حقوق را در هنگام ترک خدمت با بازخرید یا بازنشستگی یا وفات کارمند، دریافت می‌کند. این پول اگر به حد نصاب برسد و سالی بر آن بگذرد، باید زکات آن پرداخت شود. که همان یک چهلیم است.

زکات زیورآلات مخصوص استفاده‌ی شخصی

زیورآلات زنان که برای زینت استفاده می‌کنند، زکات ندارد، چون دلیل معتبری وجود ندارد که بیانگر وجوب زکات این زیورآلات باشد و زکات در اموالی واجب است که رشد می‌کند و اضافه می‌شود، تا با نیازمندان همدردی کنند. اما زیورآلات برای زینت ساخته می‌شود و از اموالی که اضافه می‌شود و رشد می‌کند نیست، در نتیجه زکات ندارد. قانون زکات: تمام اموالی که رشد می‌کنند و اضافه می‌شوند، از خود آن مال یا از آنچه از آن به دست می‌آید باید زکات بدهند، اما در زیورآلات رشد و اضافه شدن نیست، در نتیجه زکات ندارد.



زکات الماس و مروارید

الماس و مروارید و سنگ‌های قیمتی و.... اگر برای استفاده به عنوان زیورآلات باشد که زکات ندارد. اما اگر برای تجارت باشد بر اساس قیمت طلا و یا نقره قیمت‌گذاری می‌شود وقتی به حد نصاب برسد و سالی بر آن بگذرد، یک چهارم آن به عنوان زکات پرداخت شود.^۱



^۱- برگرفته از «مختصر فی الفقه الإسلامی (ص: ۹۲۳-۹۲۷)»، از شیخ تویجری.



حدیث [۳۷]

نوعیت لباس کسی که در احرام است

📖 عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَجُلًا قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَلْبَسُ الْمُحْرِمُ مِنَ الثِّيَابِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: لَا يَلْبَسُ الْقُمُصَ وَلَا الْعَمَائِمَ وَلَا السَّرَاوِيْلَاتِ وَلَا الْبِرَانِسَ وَلَا الْخِفَافَ، إِلَّا أَحَدٌ لَا يَجِدُ نَعْلَيْنِ فَلْيَلْبَسْ خُفَيْنِ، وَلْيَقْطَعْهُمَا أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ، وَلَا تَلْبَسُوا مِنَ الثِّيَابِ شَيْئًا مَسَّهُ الرَّعْفَرَانُ أَوْ وَرْسٌ^۱.

یعنی: «عبدالله بن عمر - رضی الله عنه - گوید: يك نفر گفت: ای رسول الله! مردی که در احرام است چه لباسی باید بپوشد؟ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: کسی که در احرام است، نباید پیراهن و عمامه و شلوار و کلاه و کفش بپوشد، کسی که نعل (کفش راحتی و دمپایی) نداشته باشد، باید کفشی را بپوشد که قسمتهای بالای آن تا پایین قوزکها بریده شده باشد (و به صورت دمپایی درآید) و نباید لباسی بپوشد که با زعفران و یا هر گیاه خوشبوی دیگری معطر باشد».

شرح حدیث: 

مردی که در حال احرام است حق ندارد لباس دوخته شده و لباس فراگیر بدن و کلاه و کفش را که سر و پا را می پوشانند، بپوشد و از استفاده از هر چیز خوشبو باید پرهیز کند و در صورت عدم رعایت این دستورات

^۱ - أخرجه البخاري في: ۲۵ كتاب الحج: ۲۱ باب ما لا يلبس المحرم من الثياب.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان


باید كفاره و فديه بدهد، ولى زن حق دارد تمام بدن خود را به جز صورتش با هر لباسى و پارچه اى اعم از دوخته شده و فراگیر بپوشاند.^۱

«قمص: پيراهن. سراويلات: جمع سروال، شلوار. برانس: كلاه نوک بلند. خفاف: جمع خف، كفشى است كه از نمى يا پارچه ديگر درست مى شود و قوزكهاى پا را مى پوشاند.»



^۱ - شرح نووى بر مسلم، ج ۸، ص ۷۴.


حدیث [۳۸]
حکم شکار در حالت احرام

 عن أَبِي قَتَادَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - خَرَجَ حَاجًّا، فَخَرَجُوا مَعَهُ، فَصَرَفَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ، فِيهِمْ أَبُو قَتَادَةَ؛ فَقَالَ: خُذُوا سَاحِلَ الْبَحْرِ حَتَّى نَلْتَقِيَ فَأَخْذُوا سَاحِلَ الْبَحْرِ، فَلَمَّا انْصَرَفُوا أُحْرِمُوا كُلُّهُمْ، إِلَّا أَبُو قَتَادَةَ لَمْ يُحْرِمْ؛ فَبَيْنَمَا هُمْ يَسِيرُونَ إِذْ رَأَوْا حُمْرَ وَحْشٍ، فَحَمَلَ أَبُو قَتَادَةَ عَلَى الْحُمْرِ فَعَقَرَ مِنْهَا أَتَانًا، فَتَزَلُّوا فَأَكَلُوا مِنْ لَحْمِهَا، وَقَالُوا: أَنَا كُلُّ لَحْمٍ صَيْدٍ وَنَحْنُ مُحْرِمُونَ فَحَمَلْنَا مَا بَقِيَ مِنْ لَحْمِ الْأَتَانِ، فَلَمَّا أَنَا رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا كُنَّا أُحْرِمْنَا، وَقَدْ كَانَ أَبُو قَتَادَةَ لَمْ يُحْرِمْ، فَرَأَيْنَا حُمْرَ وَحْشٍ، فَحَمَلَ عَلَيْهَا أَبُو قَتَادَةَ، فَعَقَرَ مِنْهَا أَتَانًا، فَتَزَلُّنَا فَأَكَلْنَا مِنْ لَحْمِهَا، ثُمَّ قُلْنَا: أَنَا كُلُّ لَحْمٍ صَيْدٍ وَنَحْنُ مُحْرِمُونَ فَحَمَلْنَا مَا بَقِيَ مِنْ لَحْمِهَا، قَالَ: مِنْكُمْ أَحَدٌ أَمَرَهُ أَنْ يَحْمَلَ عَلَيْهَا أَوْ أَشَارَ إِلَيْهَا قَالُوا: لَا قَالَ: فَكُلُوا مَا بَقِيَ مِنْ لَحْمِهَا»^۱.

یعنی: «ابو قتاده رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به منظور انجام حج عمره از مدینه خارج شد و اصحاب هم با او خارج شدند ولی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - عده ای از آنان را که ابو قتاده هم جزو ایشان بود برگرداند و گفت: «شما از ساحل دریا حرکت کنید تا به هم می رسیم. (مبادا دشمن به ما حمله کند)». این عده از کنار دریا حرکت کردند و وقتی به سوی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - برگشتند همه احرام بسته بودند،

^۱- أخرجه البخاري في: ۲۸ كتاب جزاء الصيد: ۵ باب لا يشير المحرم إلى الصيد لكي يصاده الحلال.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

تنها ابو قتاده در احرام نبود در این اثنا چند گورخر را دیدند. ابو قتاده به آنها حمله کرد و یک گورخر ماده را از پای درآورد، آن عده از اصحاب که در احرام بودند پیاده شدند و مقداری از گوشت آن را خوردند، ولی گفتند: آیا از گوشت حیوان شکار شده بخوریم در حالی که در احرام هستیم؟! بعداً باقیمانده گوشت آن گورخر ماده را برداشتیم، وقتی به حضور پیامبر رسیدیم، رفقا گفتند: ای رسول الله! ما در احرام بودیم ولی ابو قتاده در احرام نبود، چند گورخر وحشی را دیدیم، ابو قتاده به آنها حمله کرد و یک گورخر ماده را کشت، ما هم پیاده شدیم و از گوشت آن خوردیم، سپس گفتیم ما که در احرام هستیم چرا باید از این گوشت بخوریم؟! باقیمانده گوشت را با خود برداشتیم. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «آیا هیچیک از شما به ابو قتاده گفت که به آن حمله کند، یا به سوی آن اشاره نمود و یا به ابو قتاده در این امر کمک نمود؟» گفتند: خیر، ما به او هیچ کمکی نکردیم، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: باقیمانده گوشتش را بخورید.»

شرح حدیث:

با توجه به حدیث فوق کسی که حیوانی را در حالت احرام شکار کند و یا دیگران برای او شکار نمایند و یا در شکار حیوان کمکی کرده باشد، گوشت آن حیوان بر او حرام است ولی اگر کسی که در احرام نیست حیوانی را برای خود شکار کند، نه برای کسی که در احرام است، اما بعداً



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

مقداری از گوشت حیوان شکار شده را به او هدیه کند این گوشت برای شخصی که در احرام است حرام نمی باشد.^۱



^۱- شرح نووی بر مسلم، ج ۸، ص ۱۰۵.



انواع احرام

📖 عن عائشة رضي الله عنها، زوج النبي - صلى الله عليه وسلم -،
 قَالَتْ: خَرَجْنَا مَعَ النَّبِيِّ - صلى الله عليه وسلم - فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ، فَأَهْلَلْنَا
 بِعُمْرَةٍ، ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ - صلى الله عليه وسلم -: مَنْ كَانَ مَعَهُ هَدْيٌ فَلْيُهِلَّ
 بِالْحَجِّ مَعَ الْعُمْرَةِ، ثُمَّ لَا يَحِلَّ حَتَّى يَحِلَّ مِنْهُمَا جَمِيعًا فَقَدِمْتُ مَكَّةَ وَأَنَا
 حَائِضٌ، وَلَمْ أَطْفِ بِالْبَيْتِ وَلَا بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى النَّبِيِّ
 - صلى الله عليه وسلم -، فَقَالَ: انْقُضِي رَأْسَكَ، وَامْتَشِطِي وَأَهْلِي بِالْحَجِّ
 وَدَعِي الْعُمْرَةَ فَفَعَلْتُ فَلَمَّا قَصَيْنَا الْحَجَّ أَرْسَلَنِي النَّبِيُّ - صلى الله عليه
 وسلم - مَعَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ إِلَى التَّنْعِيمِ، فَأَعْتَمَرْتُ فَقَالَ: هَذِهِ
 مَكَانَ عُمْرَتِكَ قَالَتْ: فَطَافَ الَّذِينَ كَانُوا أَهْلُوا بِالْعُمْرَةِ بِالْبَيْتِ وَبَيْنَ الصَّفَا
 وَالْمَرْوَةِ، ثُمَّ حَلُّوا، ثُمَّ طَافُوا طَوَافًا وَاحِدًا بَعْدَ أَنْ رَجَعُوا مِنِّي وَأَمَّا
 الَّذِينَ جَمَعُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فَإِنَّمَا طَافُوا طَوَافًا وَاحِدًا»^۱

ترجمه: «عایشه رضی الله عنها همسر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می
 گوید: در حجة الوداع با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - عازم مکه شدم،
 (بعد از اینکه احرام را به حج بسته بودیم) به عمره احرام گرفتیم (یعنی عمره
 را بر حج وارد نمودیم) احرام به حج را فسخ کردیم. پیامبر - صلی الله علیه
 وسلم - گفت: «تنها کسانی که هدی همراه دارند، احرام به حج و عمره
 بگیرند و تا زمانی که تمام مناسک مربوط به حج و عمره را انجام ندهند

^۱- أخرجه البخاري في: ۲۵ كتاب الحج ۳۱ باب كيف تهل الحائض والنفساء



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

نباید از احرام خارج شوند، وقتی که به مکه رسیدیم به حالت حیض درآمدم، نه بیت را طواف کردم و نه سعی بین صفا و مروه را انجام دادم، ناراحت بودم و از این امر به نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شکوه کردم، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: موهای بهم بافته سرت را از یکدیگر جدا کن و آنها را شانه بنما و احرام به حج را انجام بده و اعمال و مناسک عمره را ترک کن، من هم به دستور پیامبر - صلی الله علیه وسلم - عمل کردم وقتی که مناسک حج را انجام دادیم. پیامبر - صلی الله علیه وسلم - مرا همراه عبدالرحمن پسر ابو بکر (برادر عایشه) به تنعیم فرستاد در آنجا احرام به عمره بستم و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: تنعیم جای عمره شما است، عایشه رضی الله عنها می گوید: کسانی که احرام به عمره بسته بودند قبل از رفتن به عرفه بیت را طواف نمودند و سعی بین صفا و مروه را انجام دادند، و از احرام خارج شدند و وقتی که از منی به مکه مراجعت کردند يك طواف دیگر انجام دادند، اما کسانی که احرام حج و عمره را با هم جمع کرده بودند، تنها يك طواف نمودند.

شرح حدیث:

احرام سه نوع است: نوع اول افراد نام دارد، افراد آن است که تنها احرام به حج بسته شود و کسی که احرام به حج را بسته است باید تا پایان مراسم حج و رجم شیطان بزرگ در روز عید در احرام باقی بماند، پس از انجام مراسم حج باید به تنعیم برود، احرام به عمره را ببندد و مراسم عمره را نیز انجام دهد.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

دوم تمتع نام دارد، تمتع آن است که تنها به عمره احرام بسته شود که بعد از طواف بیت و سعی بین صفا و مروه باید موهای سر تراشیده یا کوتاه شوند، آنگاه حاج از احرام خارج می گردد، تا روز هشتم ذیحجه که احرام به حج بسته می شود و مراسم حج انجام می گیرد. سوم قران نام دارد، قران آن است که احرام به حج و عمره با هم بسته شوند و تمام مناسک حج و عمره را با هم انجام دهند، و دخول حج بر عمره آنست که ابتدا احرام به عمره بسته شود و بعداً احرام به حج را به آن ملحق نمود و دخول عمره بر حج آن است که ابتدا احرام به حج بسته شود و بعداً احرام به عمره را به آن ملحق کرد، و اکثر علماء از جمله شافعی عقیده دارند که بهترین نوع احرام افراد است.^۱

«تنعیم: محلی است خارج از مکه و معروف به مسجد عایشه است. هدی: حیوانی است که حاجی برای قربانی با خود به مکه می برد».



^۱- شرح نووی بر مسلم، ج ۸، ص ۱۳۶.



حدیث [۴۰]

زن بدون محرم حق هیچگونه مسافرتی را ندارد

عن ابنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: لَا تُسَافِرُ الْمَرْأَةُ ثَلَاثًا إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ^۱.

ترجمه و شرح: «ابن عمر - رضي الله عنه - می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: زن حق ندارد بدون محرم به مسافرت سه شبه اقدام نماید.»

روایتهای دیگری وجود دارد که حاصل آنها این است: زن بدون محرم حق هیچگونه مسافرتی را ندارد.^۲



^۱- أخرجه البخاري في: ۱۸ كتاب تقصير الصلاة: ۴ باب في كم يقصر الصلاة.

^۲- شرح نووی بر مسلم، ج ۹، ص ۱۰۳.


حدیث [۴۱]

مردم، مدینه را در بهترین وضعی که دارد، رها خواهند ساخت !!

📖 عن أَبِي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه -، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم - يَقُولُ: يَتْرُكُونَ الْمَدِينَةَ عَلَى خَيْرِ مَا كَانَتْ لَا يَغْشَاهَا إِلَّا الْأَعْوَابُ يُرِيدُ عَوَافِي السَّبَاعِ وَالطَّيْرِ وَآخِرَ مَنْ يَحْشُرُ رَاعِيَانِ مِنْ مَزِينَةَ يُرِيدَانِ الْمَدِينَةَ، يَنْعَقَانِ بَغْنَمِهِمَا فَيَجِدَانِهَا وَحْشًا، حَتَّى إِذَا بَلَغَ ثَنِيَّةَ الْوُدَاعِ خَرَّ عَلَى وُجُوهِهِمَا»^۱.

ترجمه: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: از رسول الله - صلى الله عليه وسلم - شنیدم که فرمود: «مردم، مدینه را در بهترین وضعی که دارد، رها خواهند ساخت. آنگاه، حیوانات درنده و پرندگان، آن را اشغال خواهند کرد. و آخرین کسانی که حشر می شوند دو چوپان از طایفه مزینه خواهند بود که با گوسفندانشان به سوی مدینه می روند و وقتی به آنجا می رسند، آن را پر از جانوران وحشی می بینند، و هنگامیکه به ثنیة الوداع می رسند، به چهره، بر زمین می افتند و بیهوش می شوند».

شرح حدیث:

امام نووی عقیده دارد این موضوع در آخر زمان اتفاق می افتد، ولی قاضی عیاض می گوید: این حادثه بعد از دوران خلفای راشدین که مدینه از هر لحاظ در بهترین شرایط و به صورت پایتخت جهان اسلام درآمده بود و علماء و دانشمندان در آن جمع بودند واقع گردید، که متأسفانه موقعیت

^۱- أخرجه البخاري في: ۲۹ كتاب فضائل المدينة: ۵ باب من رغب عن المدينة.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

خود را از دست داد و مقرر حکومت اسلامی از مدینه به شام منتقل شد و مردم به تدریج آن را خالی نمودند، ولی امام نووی نظریه اول را ترجیح می دهد.





حدیث [۴۲]

تحریم نکاح متعه

📖 عن عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - رضي الله عنه -، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم -، نَهَى عَنْ مُتْعَةِ النِّسَاءِ يَوْمَ خَيْبَرَ، وَعَنْ أَكْلِ الْحُمْرِ الْإِنْسِيَّةِ^۱.

ترجمه: «علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در روز فتح خیبر نکاح متعه و گوشت خر اهلی را منع و حرام نمود».

📖 شرح حدیث:

اصحّ اقوال در نزد علمای شافعی این است که متعه دو بار مباح و حرام گردید، تا اینکه در روز فتح مکه برای همیشه حرام شد.^۲



^۱- أخرجه البخاري في: ۶۴ كتاب المغازي: ۳۸ باب غزوة خيبر.

^۲- شرح نووی بر مسلم، ج ۹، ص ۱۸۱.



نهی از نکاح شغار

📖 عن ابْنِ عُمَرَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نَهَى عَنِ الشَّغَارِ الشَّغَارُ أَنْ يُزَوَّجَ الرَّجُلُ ابْنَتَهُ عَلَى أَنْ يُزَوَّجَهُ الْآخَرُ ابْنَتَهُ، لَيْسَ بَيْنَهُمَا صَدَاقٌ^۱.

یعنی: «ابن عمر - رضي الله عنهما - می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از نکاح شغار نهی می کرد. و نکاح الشغار این است که يك نفر دخترش را به ازدواج کسی درآورد و مهرش این باشد که آن شخص هم دخترش را در نکاح او درآورد، و مهریه ای در بین این دو ازدواج نباشد.»

📖 شرح حدیث:

در زمان جاهلیت این نوع ازدواج شایع بود، يك نفر به نفر دیگری می گفت: دخترم را به ازدواج شما در می آورم به شرط آنکه مهریه و صداقش این باشد که شما هم دخترتان را به نکاح من درآورید، و مهر و صداقی که به دخترها تعلق می گیرد و حق آنان است در این نوع نکاح وجود نداشت، لذا اسلام این نوع نکاح را حرام و باطل اعلام نمود.^۲



^۱- أخرجه البخاري في: ۶۷ كتاب النكاح: ۲۷ باب الشغار.

^۲- شرح نووی بر مسلم، ج ۹، ص ۲۰۱.



حدیث [۴۴]

وفا به شرایطی که از مقتضای نکاح است...

📖 عن عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ - رضي الله عنه -، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم -: أَحَقُّ الشُّرُوطِ أَنْ تُؤْفُوا بِهِ مَا اسْتَحَلَلْتُمْ بِهِ الْفُرُوجَ.^۱

یعنی: «عقبه بن عامر - رضي الله عنه - می گوید: پیامبر - صلى الله عليه وسلم - فرمود: درست ترین و بهترین شرایطی که وفا به آنها لازم است شرایطی است که در نکاح قرار داده می شود.»

شرح حدیث: ✍️

علماء اتفاق نظر دارند که وفا به شرایطی که از مقتضای نکاح است مانند حسن معاشرت با هم تهیه نفقه و لباس زوجه به وسیله زوج و تعلیم یکی از زوجین به وسیله زوج دیگر، و شرط اینکه زن نباید از شوهرش نافرمانی کند و یا شوهر نباید در رعایت حقوق زنش کوتاهی نماید ضروری است، اینها شرایطی هستند که مقتضای نکاح می باشند و نکاح بدون این شرایط مثمر نخواهد شد، و شرایطی که خلاف مقتضای عقد باشد، مثلاً این دختر را به شما می دهم بشرط اینکه روی خوش به او نشان ندهی یا با عدل و انصاف با او رفتار نکنی، باطل می باشد.^۲



^۱- أخرجه البخاري في: ۵۴ كتاب الشروط: ۶ باب الشروط في المهر عند عقدة النكاح.

^۲- شرح نووی بر مسلم، ج ۹، ص ۲۰۲.



حدیث [۴۵]

زن بیوه باید صراحتاً به ولی خود اجازه نکاح را بدهد ولی دوشیزه که سکوت کرد و مخالفت و گریه ننمود نشانه رضایت و اجازه اوست

📖 عن أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، قَالَ: لَا تُنْكَحُ الْأَيِّمُ حَتَّى تُسْتَأْمَرَ، وَلَا تُنْكَحُ الْبِكْرُ حَتَّى تُسْتَأْذَنَ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ إِذْنُهَا قَالَ: أَنْ تَسْكُتَ.^۱

یعنی: «ابو هریره رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «نباید بیوه زن را بدون رضایت و اجازه او نکاح نمود. و دوشیزه هم نباید بدون اجازه به ازدواج کسی درآورده شود». اصحاب گفتند: ای رسول الله! اجازه دوشیزه به چه کیفیتی است؟ فرمود: سکوت او اجازه اوست».

✍ شرح حدیث:

علماء اتفاق دارند که ولی حق ندارد دختر یا خواهر بیوه خود را بدون اجازه صریح او به ازدواج کسی درآورد، و در مورد دختر یا خواهر دوشیزه، امام حنفی باز همین عقیده را دارد، ولی امام شافعی معتقد است پدر یا پدر بزرگ می توانند بدون اجازه دختر دوشیزه خود، او را به ازدواج کسی درآورند چون پدر و جد نسبت به اولاد و نوه خود کمال مهر و محبت دارند و به او خیانت نخواهند کرد.^۲



^۱- أخرجه البخاري في: ۶۷ كتاب النكاح: ۴۱ باب لا يُنْكَحُ الْأَبُ وَغِيْرَهُ الْبِكْرُ وَالْثِيْبُ إِلَّا بِرِضَاهَا.

^۲- شرح نووی بر مسلم، ج ۹، ص ۲۰۴.



حدیث [۴۶]

اجابت دعوت ولیمه

📖 عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، قَالَ: إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى الْوَلِيمَةِ فَلْيَأْتِهَا.^۱

یعنی: «عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: کسی که برای صرف غذا در مراسم عروسی دعوت شود باید این دعوت را بپذیرد.»

شرح حدیث: ✍️

باتوجه به این حدیث شریف اینست: قبول دعوت در مراسم عروسی فرض عین است، به نظر بعضی از علماء قبول دعوت برای صرف غذا در غیر مراسم عروسی مانند قبول دعوت ولیمه فرض عین می باشد، ولی عدّه ای دیگر عقیده دارند قبول دعوت در غیر ولیمه سنّت است، و در ولیمه واجب است.

بنابراین کسی که دعوت ولیمه را نپذیرد مرتکب گناه می شود و ینک فرض عین را ترک می کند مگر عذرهای زیر را داشته باشد که در صورت وجود آنها تکلیف از عهده اش خارج می گردد:

- ۱- غذایی که تهیه شده، شبهه حرام داشته باشد.
- ۲- تنها ثروتمندان و اشراف برای آن دعوت شده باشند.

^۱- أخرجه البخاري في: ۶۷ کتاب النکاح: ۷۱ باب حق إجابة الوليمة والدعوة.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

- ۳- اشخاصی در آن مجلس باشند که باعث اذیت گردند و یا مجالست با چنین اشخاصی سزاوار نباشد.
- ۴- دعوت به خاطر دفع الشر باشد.
- ۵- دعوت به خاطر ریا و استفاده از نفوذ و شخصیت باشد.
- ۶- دعوت برای این باشد که در امر باطل به او کمک شود.
- ۷- نباید در مجلس مسائل غیر مشروع مانند رقص زنان لخت و شراب و سایر منهیات وجود داشته باشد.^۱



^۱- شرح نووی بر مسلم، ج ۹، ص ۲۳۴.



حدیث [۴۷]

هر کسی که از نسب و بواسطه خویشاوندی حرام باشد ، به واسطه شیر هم حرام می باشد

📖 عن ابن عباس رضي الله عنهما، قال: قال النبي - صلى الله عليه وسلم -، في بنت حمزة: لا تحل لي، يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب، هي بنت أخي من الرضاعة^۱.

یعنی: «ابن عباس - رضي الله عنه - می گوید: پیامبر - صلى الله عليه وسلم - درباره دختر حمزه (بنی عبدالمطلب که عمو و برادر رضاعی پیامبر - صلى الله عليه وسلم - بود) گفت: چون او دختر برادر رضاعی من است برای من حلال نیست، هر کسی که از نسب و بواسطه خویشاوندی حرام باشد، به واسطه شیر هم حرام می باشد».

📖 شرح حدیث:

زنی که پنج بار به کودکی که سنش بیشتر از دو سال نباشد شیر دهد این زن و کودک به منزله مادر و فرزند از لحاظ حرمت نکاح می باشند، و پدر و مادر و خواهر و برادر و اولاد و عمو و عمّه و دایی و خاله این زن برای این کودک حرام می باشند و شوهر این زن که صاحب شیر است به منزله پدر این کودک است، لذا پدر و مادر و اولاد و خواهر و برادر و عمو و عمّه و دایی و خاله این زن و شوهر برای این کودک حرام می باشد ولی باید

۱- أخرجه البخاري في: ۵۲ كتاب الشهادات: ۷ باب الشهادة على الأنساب والرضاع المستفيض.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

توجه شود این موضوع فقط از جنبه حرمت نکاح و زناشویی است، ولی از لحاظ ارث و وجوب نفقه و سایر مسائل دیگر مانند دو انسان بیگانه می باشند.^۱



^۱- شرح نووی بر مسلم، ج ۱۰، ص ۱۹.


حدیث [۴۸]

هیچ ثمری در مقابل ثمر دیگری از جنس خود فروخته نمی شود مگر در

مسئله عرایا

📖 **عن جَابِرٍ - رضي الله عنه -، قَالَ: نَهَى النَّبِيُّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَنِ بَيْعِ الثَّمَرِ حَتَّى يَطِيبَ، وَلَا يُبَاعُ شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَدْيَانِ وَالْأَدْرَاهِمِ إِلَّا الْعَرَايَا.**^۱

یعنی: «جابر - رضي الله عنه - می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از فروختن میوه چیده نشده قبل از رسیدن آن نهی نموده است، و همچنین هیچ میوه و طعامی جز در مقابل طلا و نقره (پول رایج و کالا) معامله نخواهد شد (یعنی هیچ ثمری در مقابل ثمر دیگری از جنس خود فروخته نمی شود) مگر در مسئله عرایا».

شرح حدیث: 📖

عرایا آن است که شخصی فاقد درخت خرما یا انگور است تا به هنگام فصل میوه خود و بچه هایش از میوه تر آن استفاده کنند، پول هم ندارد که آن را خریداری نماید، ولی يك مقدار خرماي خشك یا کشمش دارد، در چنین حالتی اهل خبره و کارشناس، خرماي تري انگور يك و یا دو درخت را به خرماي خشك و کشمش تخمین می نماید، این اشخاص فقیر خرماي

^۱- أخرجه البخاري في: ۳۴ كتاب البيوع: ۸۳ باب بيع الثمر على رؤوس النخل بالذهب والفضة.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

خشک و کشمش تخمین شده را در مقابل میوه تر و سردرختی به صاحب درخت میوه می دهند و از میوه سردرختی استفاده می کنند.^۱



^۱-مجموع نووی شرح مهذب، ج ۱۱، ص ۱.


حدیث [۴۹]
حکم اجاره زمین برای زراعت

📖 عن ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لَمْ يَنْتَهَ عَنْهُ (أَيِ الْمَخَابِرَةِ) وَلَكِنْ قَالَ: أَنْ يَمْتَحَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَأْخُذَ عَلَيْهِ خَرْجًا مَعْلُومًا.^۱

یعنی: «ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از (مخابره) اجاره دادن زمین در مقابل یک سوم یا یک چهارم نهی ننموده است، ولی گفت: اگر شما زمینهای خودتان را در اختیار دیگران قرار دهید تا به رایگان از آن بهره برداری کنند بهتر از آن است که اجاره بهای معینی را از آنان بگیرید.»

📖 شرح حدیث:

علماء در مورد اجاره زمین برای زراعت با هم اختلاف نظر دارند، طاووس و حسن بصری عقیده دارند اجاره دادن زمین برای زراعت به هیچ وجه درست نیست، خواه اجاره آن در مقابل پول و یا مواد غذایی باشد و یا در مقابل مقدار معینی از محصول آن مانند یک سوم و ... ولی امام شافعی و امام حنفی و عده فراوانی از علماء عقیده دارند که اجاره دادن زمین برای زراعت در مقابل پول و مواد غذایی و پارچه و سایر اشیاء خواه از نوع محصول باشد که مستأجر آنرا کشت می نماید و یا از نوع آن نباشد جایز

^۱- أخرجه البخاري في: ٤١ كتاب المزارعة: ١٠ باب حدثنا علي بن عبد الله.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

است، و برابر قول راجح علمای شافعی اجاره دادن زمین در برابر اجاره بهای معینی مانند يك سوم یا بیشتر یا کمتر از محصول آن نیز جایز است، اما اجاره زمین در مقابل اینکه مستأجر يك یا چند قطعه خوب و نزدیک به آب را با هزینه خود برای صاحب زمین کشت کند، و بقیه زمین برای مستأجر باشد، به اتفاق علماء جایز نیست.^۱



^۱- شرح نووی بر مسلم، ج ۱۰، ص ۱۹۸.



حدیث [۵۰]

نهی از فروش آب

📖 عن أَبِي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه -، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم -، قَالَ: لَا يُمْنَعُ فَضْلُ الْمَاءِ لِيُمْنَعَ بِهِ الْكَلْبُ.^۱

یعنی: «ابو هریره - رضي الله عنه - می گوید: پیامبر - صلى الله عليه وسلم - گفت: آب اضافی را از حیوانات منع نکنید، که در نتیجه این منع نتوانند از علفهای مباح بچرند.»

شرح حدیث: ✍️

اگر کسی چاه یا قناتی در صحرا داشته باشد، و آب آن بیشتر از نیاز خود باشد و آب دیگری هم در آن محل وجود نداشته باشد نباید آب اضافی را به صاحب حیوانهایی که در آن صحرا از علفهای مباح می چرند بفروشد، بلکه باید به رایگان در اختیارش قرار دهد، چون فروش آب اضافی موجب می شود تا صاحب حیوانها به خاطر نبودن آب محل را ترك کند، و این علفهای مباح بلا استفاده به هدر برود.^۲



^۱- أخرجه البخاري في: ۴۲ كتاب المساقاة: ۲ باب من قال إن صاحب الماء أحق بالماء.

^۲- شرح نووی بر مسلم، ج ۱۰، ص ۲۲۹.



حدیث [۵۱]

پول دادن در اعمال حرام و ناپسند

📖 عن أَبِي مَسْعُودٍ الْأَنْصَارِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - نَهَى عَنْ ثَمَنِ الْكَلْبِ وَمَهْرِ الْبَغِيِّ وَحُلْوَانِ الْكَاهِنِ^۱.

یعنی: «ابومسعود انصاری - رضی الله عنه - می گوید: رسول الله از قیمت سگ، و اجرتی که زن بدکاره در مقابل بدکارگی می گیرد، و از پرداخت مزد به عنوان پاداش و قدردانی به فالگیران و کاهنان و کسانی که از آینده دیگران سخن می گویند و سرنوشت مردم را تعیین می کنند، نهی نموده است.»

✍ شرح حدیث:

علماء کاهن را چنین تعریف نموده اند: کاهن کسی است که از آینده کائنات خبر می دهد و ادعا می کند که بر اسرار و رازهای جهان آگاه است، و بر آنها مطلع می باشد، و مردم را از حوادث آینده باخبر می نماید، و یا ادعا می کند که بر جن تسلط دارد و بوسیله جن از اخبار و حوادث آینده آگاه می شود، و در مقابل عرفا کسی است که ادعا می کند که می داند اشیاء دزدیده شده کجا هستند و می تواند آنها را پیدا کند، با توجه به این حدیث شریف که مزد کاهنان را با مزد فاحشه گری و بهای سگ ذکر

۱- أخرجه البخاري في: ۳۴ کتاب البيوع: ۱۱۳ باب ثمن الكلب.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

نموده است، میزان فساد چنین ادعاهای باطلی به خوبی مشخص می شود، و بر همه مسلمانان واجب است از این گونه اشخاص فاسد دوری کنند.^۱



^۱- شرح نووی بر مسلم، ج ۱۰، ص ۲۳۲.



حدیث [۵۲]

نهی از نگهداری سگ

📖 عن سُفْيَانَ بْنِ أَبِي زُهَيْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ: مَنْ أَقْتَنَى كَلْبًا لَا يُغْنِي عَنْهُ زَرْعًا وَلَا ضَرْعًا، نَقَصَ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ عَمَلِهِ قِيرَاطٌ.^۱

یعنی: «سفیان بن ابی زهیر می گوید: شنیدم که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می گفت: کسی که سگی را نگهدارد و فایده ای از نظر حفظ زراعت و حیوان برای او نداشته باشد، هر روز يك قیراط از عملش کم می گردد.»

شرح حدیث: ✍️

علماء درباره نگهداری سگ با هم اختلاف نظر دارند، مذهب شافعی این است که نگهداری سگ بدون نیاز حرام است، ولی برای شکار و حفظ زراعت و حیوان و منزل جایز می باشد.^۲



^۱- أخرجه البخاري في: ٤١ كتاب المزارعة: ٣ باب اقتناء الكلب للحرث.

^۲- شرح نووی بر مسلم، ج ۱۰، ص ۲۳۷.


حدیث [۵۳]

نهی از حبیله، مکر و فریب در خصوص اعمالی که نهی شده اند

📖 عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ، عَامَ الْفَتْحِ، وَهُوَ بِمَكَّةَ: إِنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَرَّمَ بَيْنَ الْخَمْرِ وَالْمَيْتَةِ وَالْخَنْزِيرِ وَالْأَصْنَامِ فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ سُحُومَ الْمَيْتَةِ فَإِنَّهَا يُطْلَى بِهَا السُّفْنُ، وَيُدْهَنُ بِهَا الْجُلُودُ، وَيَسْتَصْبِحُ بِهَا النَّاسُ فَقَالَ: لَا، هُوَ حَرَامٌ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، عِنْدَ ذَلِكَ: قَاتَلَ اللَّهُ الْيَهُودَ، إِنَّ اللَّهَ لَمَّا حَرَّمَ سُحُومَهَا جَمَلُوهُ ثُمَّ بَاعُوهُ فَأَكَلُوا ثَمَنَهُ^۱.

ترجمه: «جابر بن عبدالله - رضي الله عنه - می گوید: در سال فتح مکه که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در مکه بود، شنیدم که می گفت: «الله و رسول الله فروش شراب، مردار، خوک و بت را حرام نموده اند»، گفتند: ای رسول الله! شما می دانید کشتیها را با پیه حیوانهای مردار چرب می کنند و پوستها را با آن نرم می نمایند و چراغها را با آن روشن می سازند، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: «نباید آن را بفروشید چون فروش آن حرام است»، سپس گفت: الله یهود را نابود کند، وقتی که خوردن پیه و چربی حیوانات بر آنان حرام شد، (به جای اینکه از این حرام دوری کنند) آنرا تصفیه و تمیز می نمودند و می فروختند، و از بهای آن استفاده می کردند».

^۱- أخرجه البخاري في: ۳۴ كتاب البيوع: ۱۱۲ باب بيع الميتة والأصنام.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

شرح حدیث:

لازم به توضیح است در مذهب امام شافعی فروختن پیه مردار و استفاده از بهای آن حرام است ولی به کار بردن پیه مردار برای چرب نمودن کشتیها و نرم ساختن پوست حیوانات و روشن کردن شمع و سایر مواد صنعتی جایز است ولی جمهور علماء عقیده دارند، هرگونه استفاده از آن حرام است.^۱



^۱- شرح نووی بر مسلم، ج ۱۱، ص ۶.


مسئله‌ی شفع

📖 عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَضَى -رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بِالشُّفْعَةِ فِي كُلِّ مَا لَمْ يُقَسَمْ، فَإِذَا وَقَعَتِ الْحُدُودُ وَصُرِّقَتِ الطَّرِيقُ فَلَا شُفْعَةَ^۱.

یعنی: «جابر بن عبدالله - رضي الله عنه - می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فتوی داد که هر زمین و باغ و یا اموال غیرمنقولی که قابل قسمت است و در بین چند نفر مشترک می باشد»، وقتی یکی از شرکاء سهم خود را قبل از تقسیم آن بفروشد حق شفعه برای شریک یا شرکای سابق او محفوظ می باشد، و حق تقدم با ایشان است و می توانند سهم فروخته شده را تملك نمایند و مبلغی را که مشتری پرداخت کرده است به او مسترد دارند، ولی اگر سهمی از اموال غیر منقول مشترک بعد از تقسیم و تعیین حدود و مساحت قطعات آن به وسیله یکی از شرکاء فروخته شود شرکای سابق حق شفعه را ندارند.

شرح حدیث:

علماء شفعه را چنین تعریف کرده اند: حق تملك قهری است که برای شریک قدیم علیه شریک جدید ثابت می شود، به این صورت که اگر یکی از دو شریک بدون اجازه دیگری باغ یا زمین یا منزل قابل تقسیمی را قبل از

^۱- أخرجه البخاري في: ۳۶ كتاب الشفعة: ۱ باب الشفعة في ما لم يقسم فإذا وقعت الحدود فلا شفعة.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان


تقسیم آن به یک نفر دیگر بفروشد، شریک قدیم حق دارد قیمتی را که این شریک جدید پرداخت کرده است به او بدهد و سهم او را به ملکیت خود درآورد، این حقی است قهری و اجباری و نیاز به رضایت شریک جدید ندارد، و حقی است مشروع که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به آن حکم کرده است، ولی حق شفعه در اموال منقول مانند حیوان و پارچه و ماشین و اسلحه برای شریک قدیم ثابت نیست.^۱



^۱- شرح نووی بر مسلم، ج ۱۱، ص ۴۵.



سزایی نوشنده‌ی شراب

 عن أَنَسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، قَالَ: جَلَدَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فِي الْخَمْرِ، بِالْجَرِيدِ وَالنَّعَالِ؛ وَجَلَدَ أَبُو بَكْرٍ أَرْبَعِينَ^۱.
ترجمه: «انس - رضي الله عنه - می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - شراب خوار را با شاخه های نازک خرما و نعل می زد، و ابو بکر شراب خوار را چهل تازیانه می زد».

عن عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ -، قَالَ: مَا كُنْتُ لِاقِيمَ حَدًّا عَلَيَّ أَحَدٍ فَيَمُوتُ، فَأَجِدُ فِي نَفْسِي، إِلَّا صَاحِبَ الْخَمْرِ، فَإِنَّهُ لَوْ مَاتَ وَدَيْتُهُ؛ وَذَلِكَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - لَمْ يَسْتَهْ^۲.
یعنی: «علی بن ابی طالب - رضي الله عنه - گوید: برای هیچ کسی - که او را حد می زنم و می میرد ناراحت نیستم جز برای شراب خوار، اگر او را حد بزنم و بمیرد، دیه و خون بهایش را می پردازم چون حد شراب خوار به وسیله پیامبر - صلی الله علیه وسلم - تعیین نشده است».

شرح حدیث:

علمای اسلام اجماع دارند که شراب چه زیاد باشد چه کم حرام است و کسی که شراب بخورد هر چند يك قطره هم باشد باید حد شرعی بر او اجرا گردد، امام شافعی عقیده دارد که حد شراب خوار چهل تازیانه است ولی

^۱- أخرجه البخاري في: ۸۶ كتاب الحدود: ۴ باب الضرب بالجريد والنعال.

^۲- أخرجه البخاري في: ۸۶ كتاب الحدود: باب الضرب بالجريد والنعال.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

حاکم شرع می تواند تا هشتاد تازیانه به او بزند، و آنچه مازاد بر چهل تازیانه باشد به عنوان تعذیر می باشد.^۱



^۱- شرح نووی بر مسلم: ج ۱۱، ص: ۲۱۷.



حدیث [۵۱]

کسانانی که در قبال انجام این اعمال، ضامن نیستند

📖 عن أَبِي هُرَيْرَةَ - رضي الله عنه -، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم -، قَالَ: أَلْعَجْمَاءُ جُبَارٌ، وَالْبِئْرُ جُبَارٌ، وَالْمَعْدِنُ جُبَارٌ، وَفِي الرَّكَازِ الْخُمْسُ»^۱.

ترجمه: «ابو هریره - رضي الله عنه - می گوید: پیامبر - صلى الله عليه وسلم - گفت: اگر حیوانی کسی را زخمی کند صاحبش ضامن نیست، و اگر کسی در چاه آب یا چاه معدن کسی افتاد و زخمی شد صاحب چاه ضامن نیست، و اگر کسی گنجینه ای پیدا کند، باید خمس آن را به بیت المال بدهد.»


📖 شرح حدیث:

وقتی که حیوان کسی در شب یا روز بدون اینکه مالکش قصوری داشته باشد و همراه آن حیوان نباشد مالی را از بین ببرد یا کسی را زخمی کند صاحبش ضامن نیست، ولی وقتی که صاحبش همراه آن باشد و چیزی را تلف کند ضامن محسوب می شود، همینطور اگر کسی در زمین خود چاه آب یا معدنی را حفر کند و مالی، یا کسی در آن بیفتد و دچار نقصی- گردد، صاحب چاه ضامن نمی باشد، ولی اگر کسی چاهی را بر سر راه عموم حفر کند و کسی یا چیزی در آن سقوط کند ضامن تلفات آن است.^۲

^۱- أخرجه البخاري في: كتاب الزكاة: ۶۶ في الركاك الخمس.

^۲- شرح نووی بر مسلم: ج ۱۱، ص: ۲۲۵.


مسئله‌ی شکار با سگ


عن أَبِي ثَعْلَبَةَ الْخُسَيْنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ إِنَّا بَارِضٌ قَوْمِ أَهْلِ الْكِتَابِ، أَفَنَأْكُلُ فِي آيَاتِهِمْ وَبَارِضٌ صَيْدٍ، أَصِيدُ بِقَوْسِي وَبِكَلْبِي الَّذِي لَيْسَ بِمُعَلَّمٍ وَبِكَلْبِي الْمُعَلَّمِ، فَمَا يَصْلُحُ لِي قَالَ: أَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ فَإِنْ وَجَدْتُمْ غَيْرَهَا فَلَا تَأْكُلُوا فِيهَا، وَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَاعْسِلُوهَا وَكُلُوا فِيهَا، وَمَا صَدَتْ بِقَوْسِكَ فَذَكَرْتَ اسْمَ اللَّهِ فَكُلْ، وَمَا صَدَتْ بِكَلْبِكَ الْمُعَلَّمِ فَذَكَرْتَ اسْمَ اللَّهِ فَكُلْ وَمَا صَدَتْ بِكَلْبِكَ غَيْرَ مُعَلَّمٍ فَأَدْرَكْتَ ذَكَاتَهُ فَكُلْ»^۱.

یعنی: «ابو ثعلبه خسنی - رضی الله عنه - می گوید: گفتم: ای رسول الله! ما در سرزمینی زندگی می کنیم که مردمانش از اهل کتاب می باشند، آیا ما در ظروف آنها غذا بخوریم؟ (در حالی که ایشان در آن ظروف شراب و گوشت خوک می خورند) و در سرزمینی هستیم که مردمش شکارچی هستند، منهم با تیروکمان و با سگ تعلیم داده نشده و با سگی که آن را تعلیم داده ام شکار می کنم، تکلیف من چیست؟ فرمود: در مورد خوردن غذا در ظروف اهل کتاب، اگر ظرف دیگری را می توانستید پیدا کنید، در ظروف آنان غذا نخورید، اگر ظرف دیگری پیدا نمودید ظروف آنها را بشوید و بعداً در آنها غذا بخورید، (در مورد شکار) آنچه را به وسیله تیروکمان شکار می کنید، بر آن اسم الله ذکر نمایید و از گوشت آن

^۱ - أخرجه البخاري في: ۷۲ كتاب الذبائح والصيد: ۴ باب صيد القوس.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

بخورید، و حیوانی را که به وسیله سگ تعلیم شده شکار می شود و به هنگام فرستاده شدن سگ اسم الله بر آن ذکر می گردد از گوشت آن بخورید، و اگر سگ تعلیم داده نشده حیوانی را شکار کند ولی آنرا نکشد و شما شکار را زنده از آن بگیرید و سرش را ببرید می توانید از گوشت آن بخورید».

شرح حدیث:

لازم به توضیح است سگ تعلیم داده شده به سگی گفته می شود که اگر صاحبش آن را به دنبال کردن شکار تشویق کند، آن را دنبال نماید و اگر آن را از تعقیب شکار منع کند آن را تعقیب نکند و سگی است که شکار را برای صاحبش نگهداری نماید و از آن نخورد.

البته تشخیص تعلم آن با اهل خیره در امر شکار می باشد، و علمای اسلام اجماع بر این دارند که به هنگام فرستادن حیوان شکاری به دنبال شکار بسم الله گفته می شود ولی اختلافشان در این است که عده ای عقیده دارند گفتن آن واجب است و عده دیگر هم می گویند که گفتن بسم الله سنت است، امام شافعی عقیده دارد که گفتن بسم الله سنت است، بنابراین اگر بسم الله به هنگام فرستادن سگ یا سایر حیوانات شکاری به دنبال شکار چه به صورت عمد و چه به صورت سهو گفته نشود، گوشت حیوان شکار شده حلال است ولی ترك بسم الله مکروه است. این امر در ذبح و سر بریدن حیوانات نیز همین حکم را دارد، امام شافعی می گوید: (گفتن بسم الله به هنگام ذبح حیوان سنت است و ترك آن مکروه می باشد)^۱. (ضمناً شکار

^۱ - شرح نووی بر مسلم، ج ۱۳، ص: ۷۴-۷۳.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

با تفنگ ساچمه که ساچمه ها در بدن شکار فرو می رود و شکار را زخمی می نماید و در اثر زخم کشته می شود حلال می باشد).





فضیلت اعتکاف

📖 عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّخِرَ مِنْ رَمَضَانَ.^۱

ترجمه: «عبدالله بن عمر - رضي الله عنه - می گوید: پیامبر - صلی الله عليه وسلم - در دهه آخر رمضان در مسجد اعتکاف می کرد.»

وعن عَائِشَةَ، زَوْجِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّخِرَ مِنْ رَمَضَانَ، حَتَّى تَوَقَّاهُ اللَّهُ، ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ.^۲

ترجمه: «عایشه همسر پیامبر - صلی الله عليه وسلم - می گوید: پیامبر - صلی الله عليه وسلم - تا زمانی که وفات نمود در دهه آخر رمضان در مسجد اعتکاف می کرد، و بعد از وفات پیامبر - صلی الله عليه وسلم - زنهایش هم در دهه آخر رمضان اعتکاف می نمودند.»

شرح حدیث:

اعتکاف که در لغت به معنی حبس و مکث می باشد، در اصطلاح علمای شرع عبارت است از اینکه کسی به نیت عبادت داخل مسجد شود و مدتی هر چند کوتاه و به اندازه گفتن سه بار (سبحان الله العظيم وبحمده) باشد در مسجد توقف نماید. اعتکاف چه در رمضان و چه در غیر رمضان

^۱ - أخرجه البخاري في: ۳۳ كتاب الاعتكاف: ۱ باب الاعتكاف في العشر الأواخر.

^۲ - أخرجه البخاري في: ۳۳ كتاب الاعتكاف: ۱ باب الاعتكاف في العشر الأواخر.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

و با روزه و بدون روزه، سنّت مؤکد است و هر وقت که انسان مسلمان به نیت عبادت به مسجد برود و مدتی در آن باقی باشد این کار برایش اعتکاف می باشد، حرف زدن در مورد مسائل دنیایی منافاتی با اعتکاف ندارد.^۱



^۱ - أخرجه البخاري في: ۳۳ کتاب الاعتکاف: ۱ باب الاعتکاف في العشر الأواخر.



قدرت الله عزوجل

📖 عن ابنِ عُمَرَ - رضي الله عنهما - عَنِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَقْبِضُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَرْضَ، وَتَكُونُ السَّمَوَاتُ بِيَمِينِهِ، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا الْمَلِكُ.^۱

یعنی: «ابن عمر - رضي الله عنهما - می گوید: پیامبر - صلى الله عليه وسلم - گفت: در روز قیامت الله زمین را در قبضه قدرت خود قرار می دهد و آسمانها را به تصرف خود در می آورد، و می گوید: پادشاه تنها منم.»

شرح حدیث:

امام نووی رحمه الله می فرماید: الله عزوجل از همه عالم تر به مقصود پیامبرش از این احادیث می باشد و ما ایمان به الله و صفات الله داریم و او را به هیچ مخلوقی تشبیه نمی کنیم و هیچ مخلوقی شبیه و مانند الله نیست، او به تمام امور آگاه و توانا و شنوا است، بعد از اینکه الله را از هر نقص و عیبی مبرا دانستیم، می گوییم در این موارد که دست یا انگشت و یا چشم به الله نسبت داده می شود، دو نظریه وجود دارد: علمای سلف معتقدند ما ایمان به این جمله داریم که الله می فرماید: (دست الله بر بالای دست آنان می باشد)، و ما کلمه دست را تأویل نمی کنیم ولی کیفیت آن را نمی دانیم و علم به کیفیت را به الله واگذار می نماییم، اما علمای متأخرین می گویند: چون الله از هرگونه مشابهت به مخلوقش پاک و منزّه می باشد، باید مقصود

^۱ - شرح نووی بر مسلم، ج ۸، ص ۶۷.



(۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در (۳۰) روز رمضان

از کلمه (ید) مثلاً معنی ظاهر آن نباشد بلکه باید آن را به قدرت تأویل نمود و منظور از جمله (ید الله فوق ایدیهم) این است: قدرت الله فوق قدرت آنان است. ابن حجر عسقلانی گوید: نظر سلف سالم تر است و نظر متأخرین نیاز به علم بیشتر دارد.^۱


البته ناگفته نماند که قول صحیح، همان رأی سلف صالح است.



^۱ - پاورقی لؤلؤ و مرجان: ج ۳، ص: ۲۷۲ - ۲۷۳.



حدیث [۶۰]

 عن أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: جَنَّاتٍ مِنْ فَضَّةٍ أُنِيَتْهُمَا وَمَا فِيهِمَا، وَجَنَّاتٍ مِنْ ذَهَبٍ، أُنِيَتْهُمَا وَمَا فِيهِمَا، وَمَا بَيْنَ الْقَوْمِ وَبَيْنَ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَى رَبِّهِمْ إِلَّا رِذَاءَ الْكِبَرِ عَلَى وَجْهِهِ فِي جَنَّةٍ عَدْنٍ^۱.

یعنی: «ابوموسی رضی الله عنه می گوید: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: دو باغ در بهشت وجود دارد که تمام وسائل و آنچه در آنها موجود است از نقره می باشد و دو باغ دیگر در آن وجود دارد که ظروف و تمام آنچه در آنها قرار دارد، از طلا هستند تنها مانعی که در بین مسلمانان و نگاه کردن آنان به سوی پروردگارشان در بهشت موجود است پرده عظمت و کبریایی ذات الله است.»

 **شرح حدیث:**

علماء می فرمایند: پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به نحوی با اعراب سخن می گفت که سخنهایش را بفهمند و انواع تشبیهات و کنایه را به کار می گرفت تا آنان بتوانند مقصودش را درک کنند، پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در اینجا از بین رفتن مانع در رؤیت ذات الله را به کنا رفتن رداء (پرده) تشبیه فرموده است.^۲

ختم کتاب به یاری الله عزوجل، دو روز قبل از رمضان سال: ۱۴۰۱

^۱ - أخرجه البخاري في: ۶۵ كتاب التفسير: ۵۵ سورة الرحمن: ۱ باب قوله (ومن دونهما جنتان).

^۲ - شرح نووی بر مسلم، ج ۳، ص: ۱۶.



۳۰) حدیث از بخاری و مسلم در ۳۰) روز رمضان

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**